

تاوان رفتار تان را خواهید پرداخت!

صادق کار

روند پرشتاب رویدادهای کارگری در سال گذشته در آستانه عید نوروز با تعمیق بحران اقتصادی شتابانتر شد و موج کم سابقه ای از اعتراضات کارگری جامعه را فرا گرفت. تورم و گرانی و تقلیل شدید قدرت خرید کارگران و نگرانی فزاینده از بیکاری و از دست رفتن محل‌های اشتغال و بویژه سطح نازل دستمزدها، چنانچه گزارشهای متعدد جمع آوری شده در بولتن خبری شماره یک گروه کار کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) نیز مؤید آن است، نقش اصلی را در برانگیختن کارگران به اعتراض و افزایش شدید اعتراضات کارگری در آستانه سال نو داشته است. گرچه به دلیل تعطیلات نوروزی، از حجم اعتراضات در این روزها کاسته شده ولی اعتراضات کارگری با پایان یافتن تعطیلات نوروزی، بتدریج روال پیشین را از سر خواهند گرفت و دامنه شان روز به روز گسترده تر خواهد شد. این اعتراضات نشان می دهند که جنبش کارگری بار دیگر دارد دوران رکود خود را پشت سر می گذارد و بتدریج به صورت فعالترین و تاثیرگذارترین جنبش اجتماعی درمی آید و نقش ذاتی اش را بازی یابد. خیلی مهم نیست که هنوز اکثر اعتراضات کارگری تدافعی است. مهم این است که این اعتراضات وجود دارند و پیوسته در حال افزایش اند و روز به روز توده های وسیعتری از کارگران را دربرمی گیرند و بناچار به دلیل پاسخ نگرفتن، خصلت سیاسی بیشتری پیدا می کنند. قطعاً این اعتراضات برای مدتی طولانی نه بی سامان خواهند ماند و نه تدافعی. در واقع این جبرشرايط و نحوه برخورد حکومت و کارفرمایان است که کارگران را از مبارزه صنفی و تدافعی به سوی مبارزه سیاسی هدایت می کند و جنبش کارگری را در نهایت در موقعیت برتر قرار می دهد. سرکوب هر قدر هم که شدید باشد تنها می تواند این روند را به تاخیر بیاندازد، ولی نمی تواند مانع چنین تحولی گردد. این تحول بیشک نه تنها یگانه راه تغییر وضعیت فلاکتبار اقتصادی- اجتماعی طبقه کارگر است، بلکه همچنین آرایش نیرو در جامعه را به سود نیروهای تحول طلب و اصلاح طلب دگرگون خواهد کرد و شرایط را برای ایجاد دگرگونیهای دمکراتیک و مترقی مهیا خواهد کرد. اتفاقاً در پایان بازنده اصلی در این کشاکش طبقاتی حکومت و کارفرمایان اند و آنهاست که به همین خاطر باید تاوان رفتارشان با کارگران را در آینده بپردازند. تاوانی که بسیار سنگین خواهد بود.

مردم سخن می گویند

خدمت یا خیانت به کارگران

به گزارش خبرنگار ایلنا، عباسی، سرپرست وزارت کار در حاشیه مراسم افتتاح مجموعه تلویزیونی عصر پاییزی که عصر روز گذشته (۲۶ اسفند) برگزار شد، درباره افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارگران و پایین بودن این افزایش از میزان نرخ تورم گفت: میزان افزایش براساس توافق تشکل‌های کارگری و کارفرمایی در شورای عالی کار مشخص شده و ما هم باید آن را اجرا کنیم.

رئیس شورای عالی کار ادامه داد: تشکل‌های کارگری و کارفرما در یک فضای همدلی به این میزان رسیده‌اند و این ۲۵ درصد را تعیین کرده‌اند.

عباسی افزود: البته وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و همچنین مجموعه دولت خودش را موظف به خدمت‌گذاری به کارگران می‌داند و ما خود را خادم کارگران می‌دانیم و وظیفه ماست که در شرایط موجود از کارگران حمایت کنیم و عزم ما نیز در حمایت از کارگران است.

اما در رابطه با سخنان عباسی مردم چنین می گویند:

[بازگشت به صفحه اول](#) [نسخه چاپی](#) [ارسال به دوستان](#)

نظرات بینندگان

پاسخ +6 0 - 1391-12-27, 12:13:16 م
و تر حمایت کی

پاسخ +13 0 - 1391-12-27, 12:32:46 عباسی
بر [...] دروغگو لعنت

پاسخ +15 0 - 1391-12-27, 12:38:32 ناشناس
از ماست که بر ماست البته که همدل بودند که کارگر بیچاره باید چکار کنه با این افزایش حقوق 25 درصدی و تورم 200 درصدی

پاسخ +16 0 - 1391-12-27, 13:25:21 مرادی
دوستان مگر با این حقوق عزیزان گرانی مرغ-شیر-برنج-پسته-پوشاک و..... اصلا معلومه اینها که خودشون سیر هستن پس دلشون برای ما نمیسوزه

پاسخ +5 0 - 1391-12-27, 17:01:03 علیرضا
ممنونم از این همه لطف و خدمت گذاری برای این قشر ضعیف و زحمت کش جناب وزیر چر این همه لطف کردین

پاسخ + 1 0 - رهبر دنیا 1391-12-27, 18:08:22
این عباسی مثل اینکه خدا رو فراموش کرده و فقط به فکر پستش هست تو مملکت ما از این جور ادما تو دولت احمدی نژاد زیاد شدند. از خدا میخام که هیچ خیری تو دنیا نبینی

پاسخ + 0 0 - کارگر شرکت واحد 1391-12-27, 22:01:22
آخر و جداناً شما غیر از همدلی و گوش بفرمان بودن کار دیگری هم مگر می توانید بکنید چرا که اولاً نماینده واقعی کارگران نیستید دوم اینکه شما يك رای دارید اما کارفرما و دولت که با هم هستند دو رای چطور می توانید مخالف باشید اصلاً رای شما هیچ ارزش تاثیر گذاری ندارد

پاسخ + 2 0 - ناشناس 1391-12-27, 22:15:54
با حلوا حلوا دهان شیرین نمی شود. همه شما به فکر منافع خودتان هستید و کارگر مداری شعار است

پاسخ + 1 0 - ناشناس 1391-12-28, 08:29:49
خانن به جامعه کارگری.

پاسخ + 0 0 - محسن 1391-12-28, 08:50:07
زور دست شماست کارگر چکارست. هر ببرید کارگر بینوا مجبور به شما هرگ نمی توانید از خودتان حمایت کنید چه برسد به ما کارگران.... فقط از خدا طلب کمک داریم.

پاسخ + 2 0 - علی 1391-12-28, 08:50:22
فقط حرف بزنید و حتی وقیح تر اینکه بگویید کارگران در رفاه هستند. فقط از خودتان تعریف کنید... آخه ما کارگران دردمان را به که بگوییم. اگر تصمیم بگیرید که 5 درصد مزد 92 را کاهش هم بدهید آیا صدای ما حرف ما تاثیر دارد...

پاسخ + 2 0 - ناشناس 1391-12-28, 08:53:22
خاک بر سرتان... با این همدلی...

پاسخ + 2 0 - خادمی 1391-12-28, 11:24:25
مشکل ما از آقای وزیر نیست ، مشکل ما از نمایندگان کارگر بی خاصیت در شورای عالی کار است که از ظرفیت ها استفاده نکرده و به راحتی تمکین می کنند.

پاسخ + 1 0 - ناشناس 1391-12-28, 11:32:00
کارگران اگر پولی برای قبضهای آب و برق گاز باقی ماند پرداخت کنید اولویت آخر هزینه ای شما حقوق بگیران قبوض برق آب گاز باشد

--

فرامرز	1391-12-28, 13:10:25	0 -	3 + پاسخ
<p>با سلام و تشکر از پیگیری های شما این چیز تازه ای نیست همیشه بعد از اتمام کار به علت ضعف جناح کارگری و مرعوب شدن این جناح از اینگونه اقوال شنیده می شود. وقتی در پایان ظهر می گویند اگر این مقدار را پذیرفتید که خوب است در غیر اینصورت ما خودمان اعلام می کنیم و جناح ضعیف و نابخرد کارگری بعد از صرف ناهار و نمک گیر شدن می آیند و عین بچه های خوب امضاء نموده و میروند تا سال دیگر به سخنان دهان پرکن ژورنالیستی ادامه می دهند. وقتی در سال 1390 جناح کارگری و کارفرمایی بر روی رقیمی بسیار بالاتر اعلامی توافق نموده بودند چگونه شد بقول آقای شیخ الاسلام روحیه وفاق دمیده شد و بریده و دوخته دولتی را دیگران امضاء نمودند. مادامی که کارگر متولی متدین متعهد و کاربلد نداشته باشد همین است.</p>			

ناشناس	1391-12-28, 19:10:24	0 -	3 + پاسخ
<p>چرا مارا شرمنده کردید آقای وزیر ماکه نمی توانیم جبران کنیم . حساب شما باخدا باشد (خیلی خیلی خیلی همدلی بوده باین حقوق 92) انشاله</p>			

علی بحرانی	1391-12-29, 19:37:29	0 -	2 + پاسخ
<p>خدا گواهی این بیست روزی که شما جلسه هم اندیشی ، همدلی ، همنوایی،داشتیدخرج هر نفرتان در خوردن پسته و میوه و خورد و خوراکتان در آن جلسات از 478000 هزار تومان هم گذشت میگوید نه ماشین حساب دست بگیرید خود و خدایتان!؟</p>			

حمید	1392-01-03, 10:50:34	0 -	2 + پاسخ
<p>مرگ[...]] با این همدلی که با کارگر دارند اخه پسته رسید به زانتیا مهدی بیا مهدی بیا</p>			

ایلام خبرگزاری کار ایران

1392-01-02, 16:10

کد خبر: 57743

سرویس: کارگری «روابط کار
مطلب

دبیر خانه کارگر استان ایلام انتقاد کرد:

کارگران دولتی؛ محروم از مزایا و مشمول معایب کارمندی

«تعداد زیادی از کارگران مشمول قانون کار شاغل در برخی ارگان های دولتی همچون اداره آب و فاضلاب، اداره برق، شهرداری ایلام و شرکت گاز در پرداخت عیدی حداقل دوبرابر دستمزد کارگران همانند سالهای گذشته کوتاهی کرده اند

و عیدی آنان را به شیوه کارمندان محاسبه کرده‌اند، این در حالی است که کارگران دولتی از «مزایای کارمندی» بی‌بهره‌اند.»

دبیر خانه کارگر ایلام گفت: عیدی بسیاری از کارگران ایلامی مشمول قانون کار که در دستگاه‌های دولتی مشغول به کارند مانند کارمندان دولت محاسبه و پرداخت شده است.

علی غیائی با تأکید بر اینکه شیوه محاسبه حق عیدی این کارگران غیر قانونی است، به ایلنا گفت: تعداد زیادی از کارگران مشمول قانون کار شاغل در برخی ارگان‌های دولتی همچون اداره آب و فاضلاب، اداره برق، شهرداری ایلام و شرکت گاز در پرداخت عیدی حداقل دوبرابر دستمزد کارگران همانند سالهای گذشته کوتاهی کرده‌اند و عیدی آنان را به شیوه کارمندان محاسبه کرده‌اند، این در حالی است که کارگران دولتی از «مزایای کارمندی» بی‌بهره‌اند. او افزود: عیدی این کارگران در سال ۹۱ همانند کارمندان دولت به مبلغ ۴۰۲ هزار ۵۰۰ تومان به حسابشان واریز شده است.

غیائی در بخش دیگری از این گفتگو در خصوص وضعیت واحدهای تولیدی این استان در سال گذشته اظهار کرد: ۸۰ درصد واحدهای تولیدی در استان ایلام به سبب بحرانهای مالی و عدم همکاری بانک‌ها عامل تعطیل شده‌اند و تعداد زیادی از نیروی کار شاغل در این واحدها نیز هم‌اکنون بیکارند.

این فعال کارگری با انتقاد از گستردگی معضل بیکاری در استان ایلام، گفت: با وجودی که فعالان کارگری و نمایندگان مردم در مجلس و همچنین بسیاری از کارفرمایان از وضعیت به وجود آمده اعلام نارضایتی و از دولت درخواست رسیدگی کرده‌اند، اما متأسفانه هیچ گوش شنوایی وجود ندارد.

پایان پیام

سخن مردم

<http://www.ilna.ir>

[بازگشت به صفحه اول](#) [نسخه چاپی](#) [ارسال به دوستان](#)

نظرات بینندگان

کارگران مدت معین و مدت موقت پتروشیمی اروند ماهشهر	1392-01-03, 12:03:05	0	پاسخ + 13
---	----------------------	---	-----------

با سلام

آقا کجای کارید تمام شرکت نفت هم، همین بلا رو سر ماها آورده. وقت دادن که می‌شه ما کارمندیم و نیروی دولت وقت گرفتن که میرسه ما کارگریم و قراردادی. بخدا من نمی‌دونم این نمایندگان مجلس چیکار میکنند یکی نیست از شون بپرسه پس شما چیکاره اید پس کی باید از حق مردم دفاع کنه.

h	1392-01-05, 14:30:30	1	پاسخ + 6
---	----------------------	---	----------

سلام بانک ملت هم یادتون نره که مدام وام و غیره به کارمندان رسمی میدهد و نیروهای پیمانی با حقوق کم به سختی زندگی میکنند و با اه و حسرت در انتظار هستند

شرکت پشتیبانی امور دام کشور و سی نمایندگی استانی نیز با استخداامیهای مضمول قانون کار خود نیز به همین طریق عمل کرده و عیدی آنان را بر اساس سیستم کارمندی محاسبه و به حساب آنان واریز کرده در صورتی که از مزایای دیگر کارمندان دولت مثل بهره وری - اضافه کار و ... بی بهره اند

گزارشها

نوروز پر التهاب برای جامعه کارگری در سنندج

اشتراک

یکشنبه، ۱۱ فروردین، ۱۳۹۲

کلمه - گروه کارگری:

از نیمه دوم اسفند ۹۱ تاکنون مردم سنندج شاهد فشار، ارباب و بازداشت تعدادی از فعالان کارگری این شهر و در تعاقب آن ستم و رنجی که بر خانواده‌های نگران آنها رفته، بوده اند. خانواده‌های کارگران دربند، روزهای متمادی به رغم تهدیدها و فشارها، با راهپیمایی و تجمع مقابل اداره اطلاعات سنندج اعتراض خود نسبت به بازداشت عزیزان خود را، که در شرایط طاقت فرسای معیشتی چیزی جز حق خود را طلب نکرده بودند، به گوش مسئولان و مردم و جامعه کارگری ایران رساندند.

به گزارش کلمه، فشار، تهدید و بازداشت کارگران و اعتراض علنی خانواده‌های آنها به این ستم‌ها و همچنین حمایت فعالان کارگری برخاسته از تشکل‌های گوناگون جامعه کارگری از کارگران زندانی و خانواده‌هایشان، آخرین اخبار کارگری در آخرین روزهای سال ۹۱ بود.

روزشمار نوروز پر التهاب ۹۲ برای جامعه کارگری در سنندج

چهارشنبه ۱۶ اسفند:

ماموران اطلاعات وفا قادری را طی تماس تلفنی تهدید کردند که در صورت برگزاری مراسم ۸

مارس در شهر سنندج وی را بازداشت خواهند کرد.

سحرگاه پنجشنبه ۱۷ اسفند:

ساعت ۵:۳۰ صبح وفا قادری، سید خالد حسینی، بهزاد فرج‌الهی و حامد محمود نژاد فعالان کارگری و از اعضای کمیته‌ی هماهنگی در شهر سنندج با هجوم ماموران اطلاعات به منازلشان بازداشت شدند. ساعت ۶ صبح علی آزادی عضو دیگر کمیته هماهنگی در محل کارش در سنندج دستگیر شد.

شنبه و یکشنبه، ۱۹ و ۲۰ اسفند:

خانواده‌های فعالان کارگری زندانی در سنندج، در مقابل اداره اطلاعات شهر سنندج تجمع نموده و ضمن پیگیری وضعیت عزیزانشان خواهان آزادی آنان شدند. وفا قادری از کارگران زندانی ضمن تماس تلفنی کوتاهی که با خانواده‌اش داشت خبر داد که در سلول انفرادی نگه‌داری می‌شود. همچنین علی آزادی طی تماس تلفنی کوتاهی که با همسرش داشت از اینکه در سلول انفرادی و در شرایط نامناسبی نگه‌داری می‌شود خبر داد. خالد حسینی نیز طی تماس کوتاهی که با خانواده‌اش داشت اعلام کرد که قاضی برای وی قرار یک ماه بازداشت صادر کرده است و وی در سلول انفرادی نگه‌داری می‌شود.

بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۰ اسفند:

شریف ساعد پناه، از فعالان کارگری و عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران با هجوم وحشیانه چندین نفر از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در منزلش دستگیر شد.

صبح روز دوشنبه ۲۱ اسفند:

جمع کثیری از خانواده‌های فعالان کارگری در بند در مقابل اداره اطلاعات دست به تجمع زده و خواستار آزادی عزیزانشان شدند. چند تن از نیروهای انتظامی برای کنترل اوضاع در محل تجمع حاضر شدند و هر چه زمان می‌گذشت به جمع خانواده‌ها افزوده می‌شد به طوری که فشار خانواده‌ها اداره اطلاعات را ناچار کرد که به یکی از بازداشت شدگان اجازه دهد با بستگان خود تماس کوتاهی بگیرد؛ اما آنان به این هم راضی نشدند و همچنین بر آزادی عزیزانشان پافشاری کردند. این بار وقتی اداره اطلاعات با مقاومت جمعیت روبرو شد با گسیل ده‌ها ماشین از نیروهای انتظامی و لباس شخصی محل را محاصره و هر دو باند خیابان شبلی را مسدود کرد و از جمعیت خواست آنجا را ترک کنند. تجمع کنندگان ضمن تاکید بر آزادی هر چه سریعتر فعالان کارگری در بند به نیروهای امنیتی و لباس شخصی اعلام کردند تا شما اینجا را ترک نکنید ما نیز در این محل خواهیم بود، که این مقاومت باعث شد نیروهای امنیتی و لباس شخصی عقب نشستند و خانواده‌ها در ساعت یک بعد از ظهر دسته جمعی محل را ترک کردند.

سه شنبه ۲۲ اسفند:

جمع زیادی از خانواده‌های فعالان کارگری بازداشتی در سنج از ساعت ۹ صبح در مقابل اداره اطلاعات این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. با مراجعه خانواده‌ها جهت پی‌گیری وضعیت عزیزانشان از طرف ماموران به آنها گفته شد بروید تا بعد از تعطیلات دنبال کار بازداشتی‌ها را بگیرید، اما خانواده‌ها همچنان بر ماندن در آنجا پافشاری کردند و رفته رفته بر تعداد تجمع کنندگان اضافه شد. ساعت ۱۱:۳۰ تعداد زیادی از نیروهای امنیتی شامل چندین ماشین و موتور سوار به محل آمدند و از حاضران خواستند محل را ترک کنند ولی حاضران بر ماندن تا دریافت جوابی از سوی اداره اطلاعات اصرار ورزیدند که در این میان نیروهای امنیتی به یکی از حاضران بی‌حرمتی و به نامبرده حمله کردند که با عکس العمل جمعیت حاضر روبرو شدند. بعد از این برخورد یکی از نیروهای امنیتی به میان حاضران آمد و ضمن عذرخواهی از آنان، اعلام کرد که تا ۲۰ دقیقه دیگر به آنها جواب خواهند داد؛ بعد از ۲۰ دقیقه به آنها گفته شد تا بعد از سیزده بدر به آنجا مراجعه نکنند. سپس جمعیت با تاکید بر اینکه دوباره بر می‌گردند در ساعت ۱:۳۰ ظهر به تجمعشان پایان دادند.

چهارشنبه ۲۳ اسفند:

ساعت ۹:۳۰ صبح خانواده‌های فعالان بازداشتی، همچون روزهای گذشته در مقابل اداره اطلاعات برای پیگیری وضعیت عزیزانشان تجمع کردند. مطابق روزهای قبل نیروهای امنیتی هم از همان ساعات اولیه در محل حاضر شدند؛ این در حالی بود که روز قبل نیروهای امنیتی به خانواده‌ها گفته بودند که تجمع آنان غیر قانونی است و دیگر به آنجا نروند، ولی حاضران گفته بودند که تجمع برای آگاه شدن از سرنوشت عزیزانشان حق آنان است. در این فاصله یک نفر از نیروها به داخل اداره اطلاعات رفت و بعد از مدتی به میان خانواده‌ها آمد و به آنها قول داد تا روز شنبه ۲۵ اسفند پرونده بازداشت شدگان تکمیل شود و خانواده‌ها ساعات ۱:۳۰ ظهر محل را ترک کردند.

شنبه ۲۶ اسفند:

جمع کثیری از خانواده‌های فعالان کارگری بازداشتی سنج از ساعت ۹:۳۰ صبح در مقابل اداره اطلاعات این شهر در اعتراض به بازداشت و بی‌خبری از سرنوشت عزیزانشان دست به تجمع اعتراضی زدند. مطابق معمول روزهای گذشته نیروهای امنیتی از همان ساعات اول در محل تجمع حاضر شدند. در ساعت ۱۰:۳۰ صبح چند تن از خانواده‌ها به داخل اداره اطلاعات فراخوانده شدند و با یکی از مسئولان صحبت کردند و خواهان آزادی عزیزان خود شدند که از طرف مسئول مربوطه این چنین جواب گرفتند: “فعلن به دنبال این پرونده‌ها نیایید”. این جواب در حالی گفته شد که روز چهارشنبه مسئولان به آنها قول داده بودند که شنبه پرونده بازداشتی‌ها را به دادگاه می‌فرستند و زمانی که خانواده‌ها گفته بودند پس قول شما چه شد در جواب به آنها گفته شد که به خاطر پایان دادن به تجمعشان چنین حرفی به آنها زده شده است. خانواده‌ها در جواب تهدید کردند که اعتراض خود را به مقابل استانداری خواهند کشاند و تا ساعات ۲:۳۰ به تجمع خود ادامه دادند و با تاکید بر آزادی فعالان کارگری به تجمع آنروز خود پایان دادند.

یکشنبه ۲۷ اسفند :

جمع زیادی از خانواده‌های ۶ فعال کارگری بازداشتی در ادامه تجمع اعتراضی خود نسبت به وضعیت نامعلوم عزیزانشان برای هشتمین روز متوالی در مقابل اداره اطلاعات شهر سنندج دست به تجمع زدند. خانواده‌ها روز قبل به نیروهای امنیتی هشدار داده بودند اگر به آنها پاسخی ندهند تجمع خود را در مقابل استانداری ادامه خواهند داد. معترضان تا ساعت ۱۲ ظهر به تجمع خود در مقابل اداره اطلاعات ادامه داده و سپس به سمت استانداری به راه افتادند. راهپیمایی خانواده‌های فعالان بازداشتی در چند خیابان به سمت استانداری توجه مردم را به خود جلب کرد. در طول مسیر راهپیمایی به سمت استانداری، خانواده‌ها به مردم توضیح می‌دادند که علت راه پیمایی‌شان چیست. در مقابل استانداری یکی از حاضران به داخل استانداری رفته و توضیحاتی در رابطه با دلایل این تجمع به معاون استاندار داده و سپس معاون استاندار قول داد در صورتی که خانواده‌ها به تجمع‌شان پایان دهند برای فردای آن روز یعنی ۲۸ اسفند امکان ملاقاتشان با استاندار را فراهم کند. در پی این وعده خانواده‌ها ضمن تاکید بر ادامه تجمعات در صورت عدم پاسخگویی، دسته جمعی خیابان استانداری را ترک کردند.

دوشنبه ۲۸ اسفند :

جمع کثیری از خانواده‌های بازداشت شدگان ۱۷ اسفند در دوازدهمین روز از بلاتکلیفی عزیزانشان از ساعت ۹:۳۰ در مقابل اداره اطلاعات تجمع کردند. طبق روال روزهای گذشته نیروهای امنیتی در همان ساعات اولیه در محل تجمع حاضر شدند. در میان حاضرین یک نفر که از طرف جمع به عنوان نماینده انتخاب شده بود و روز قبل به او وعده ملاقات با استاندار داده بودند به استانداری مراجعه کرد اما متأسفانه از طرف معاون استاندار با پاسخ‌هایی همچون “استاندار اینجا نیست و این پرونده باید مراحل قانونی خود را طی کند” روبرو شد. این تجمع تا ساعت ۱ ظهر ادامه پیدا کرد سپس معترضان محل را ترک کردند.

سه شنبه ۲۹ اسفند :

ساعت ۱۲ ظهر سید غالب حسینی فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در شهر سنندج، توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در محل کارش دستگیر شد. نام برده در آستانه ۸ مارس و همچنین بعد از دستگیری ۶ فعال کارگری در ۱۷ اسفند چندین بار تلفنی توسط نیروهای امنیتی تهدید شده بود و نیروهای اطلاعاتی از وی خواسته بودند که خود را به ستاد خبری معرفی کند.

سه شنبه ۲۹ اسفند:

هم زمان با بازداشت غالب حسینی در محل کارش، نیروهای امنیتی با یورش به منزل شخصی اش، اقدام به بازداشت موقت همسر ایشان خانم گل‌باغ بهمنی نموده، و با انتقال او به اداره ی اطلاعات، وی را به مدت چند ساعت مورد بازجویی قرار دادند تا بدین وسیله، و با زیر فشار قرار دادن خانواده ی این فعال کارگری، عرصه را هر چه بیشتر براو تنگ نمایند. نیروهای امنیتی با توسل به تهدید خانم گل‌باغ بهمنی، و تحمیل فشار روانی بر ایشان، سعی بر شکستن مقاومت نام برده و دست شستن از حمایت همه جانبه اش از فعالیت های کارگری شوهرش نمودند، که نامبرده با مقاومت خود، بار دیگر بر حقانیت فعالیت های غالب حسینی و دیگر فعالان کارگری تأکید ورزید.

سه شنبه ۲۹ اسفند:

در پی عدم پاسخگویی نیروهای اطلاعاتی به خانواده‌های فعالان کارگری بازداشتی، خانواده‌ها اعلام کردند که سفره ی هفت سین خود را در مقابل اداره اطلاعات شهر سنندج برپا خواهند کرد و بدینگونه در زمان تحویل سال در کنار عزیزانشان خواهند بود.

سه‌شنبه ۲۹ اسفند:

خانواده‌های فعالان کارگری در بند با انتشار اطلاعیه‌ای در تارنمای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری از مردم شهر سنندج و تشکل‌های کارگری و نهادهای مردمی درخواست کردند که به هر صورت که در توان دارند و به هر شیوه ی ممکن آنان را در جهت آزادی عزیزانشان یاری کنند. در این اطلاعیه آمده است “عزیزان ما به نایب‌بری‌های اجتماعی معترضند. از حقوق کارگران دفاع می‌کنند، به دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر معترضند.

آنها خواهان یک زندگی انسانی برای تولیدکنندگان تمام ثروت‌های بشری هستند. آنها می‌گویند همه امکانات جامعه حاصل کار و رنج ما کارگران است ولی چرا ما همیشه در سختی به سر می‌بریم. آنها خواهان امنیت شغلی برای کارگران هستند. خواهان بیمه بی‌کاری برای کارگران آماده به کارند. خواهان بیمه زنان خانه دار هستند و خواهان تعیین دستمزد به تناسب نرخ تورم هستند. در حالی که تورم به روز شده است چرا باید حقوق کارگران ثابت و چند برابر زیر خط فقر باشد. آیا دفاع از خواست و مطالبات بر حق کارگران جرم است؟ عزیزان ما به غیر از دفاع از خواست و مطالبات برحق کارگران هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند».

چهارشنبه ۳۰ اسفند:

بار دیگر خانواده‌های فعالان کارگری بازداشتی در سنندج برای پیگیری وضعیت عزیزانشان در مقابل ستاد خبری اداره اطلاعات در این شهر تجمع کردند. این تجمع در حالی بود که خانواده‌ها طبق قرار قبلی اعلام کرده بودند که اگر عزیزانشان رآزاد نکنند سفره هفت سین خود را در مقابل ستاد خبری پهن خواهند کرد و سال تحویل در آنجا خواهند بود؛ اما نیروهای امنیتی حاضر در محل با حمله به تجمع خانواده‌ها از برگزاری مراسم سال تحویل ممانعت به عمل آورده و سفره هفت سین آنان را جمع کردند.

چهارشنبه ۳۰ اسفند :

یکی دیگر از فعالان کارگری سنندج و عضو کمیته هماهنگی به نام کوروش بخشنده طی تماسی تلفنی احضار و مورد بازجویی قرار گرفت که پس از ۲ ساعت بازجویی به وی ابلاغ شد که تا ۱۵ فروردین فرصت دارد که از کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری استعفا دهد و در غیر این صورت با وی برخورد خواهد شد.

شنبه سوم فروردین ۱۳۹۲ :

«اگر لباس تازه هم داشتیم نمی‌توانستیم به تمنان کنیم و سال تازه را جشن بگیریم چون پدر عزیزمان در زندان است و بدون او ما هیچ شوقی نداریم» این جمله برگرفته از نامه ایست که فرزندان دوقلوی دبستانی غالب حسینی، فعال کارگری زندانی نوشته‌اند. درست روزی که قرار بود نینا و هدیه حسینی به همراه پدر خود بروند لباس نو برای عید بخرند، شاهد دستگیری پدرشان شدند و ساعتی بعد هم شاهد دستگیری مادر خود توسط ماموران اداره اطلاعات سنندج شدند و تا ساعتها بعد که مادرشان همچنان در بازداشت و بازجویی به سر می‌برد آنها در دلهره و نگرانی فقدان هر دو والدین خود بودند. متن کامل نامه نینا و هدیه حسینی که خطاب به آزادیخواهان جهان نوشته‌اند و در تارنمای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری نشر داده شده به شرح ذیل است: «درد بر همه ی آزادی خواهان جهان! من نینا حسینی و خواهر دوقلویم هدیه حسینی به تمام مردم ایران می‌گوییم که پدر ما غالب حسینی فعال کارگری هیچ جرمی نکرده است. و با حمله ی نیروهای اطلاعاتی دستگیر شده و زندانی شده است. همان روزی که پدرمان دستگیر شد قرار بود ما را برای خرید نوروژی به خیابان ببرد و لباس های تازه ی عید را برای ما بخرد تا با آنها سال تازه را جشن بگیریم و در کنار هم سال خوشی را شروع کنیم. اما الان هیچ لباسی نخریده ایم. اما اگر لباس تازه هم داشتیم نمی‌توانستیم به تمنان کنیم و سال تازه را جشن بگیریم چون پدر عزیزمان در زندان است و بدون او ما هیچ شوقی نداریم. ما هر دو نفر آرزو می‌کنیم هر چه زودتر پدر عزیزمان آزاد شود و همه ی زندانی‌های سیاسی و فعال های کارگری آزاد شوند تا در کنار فرزندانمان عید را جشن بگیرند. - نینا حسینی و هدیه حسینی کلاس سوم ابتدایی - سوم فروردین ۱۳۹۲

پنجشنبه ۸ فروردین ۱۳۹۲:

شریف ساعد پناه عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و از هماهنگ کنندگان طومار ۳۰ هزار نفره کارگران، پس از گذشت ۱۷ روز بازداشت، به گزارش تارنمای این اتحادیه در این روز با وثیقه یکصد میلیون تومانی آزاد شد. شریف ساعد پناه این مدت تحت بازداشت اداره اطلاعات سنندج بود.

حمایت جامعه کارگری از کارگران دربند و پشتیبانی از خانواده‌های آنان

یکشنبه ۲۷ اسفند:

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه با صدور بیانیه‌ای که در تارنمای این تشکل مستقل

کارگری منتشر شد اعتراض خود را نسبت به دستگیری و حبس فعالان کارگری سنندج و ستمی که از همه سو بر جامعه کارگری می‌رود اعلام کرد. در این بیانیه با ذکر نام فعالان کارگری زندانی آمده است: «این انسانهای شریف هیچ جرمی مرتکب نشده اند که باید جایشان در بازداشتگاه باشد. اینها کسانی هستند که به فقر و بی‌عدالتی، به حقوق چندین برابر زیر خط فقر ۴۸۷ هزار تومانی اعتراض داشته اند. اینها خواستار یک زندگی انسانی برای همه و از جمله کارگران هستند و تنها به این جرم بازداشت و زندانبندی شده اند. در هیچ جای دنیا خواستار زندگی انسانی بودن به هیچ وجه جرم نیست و کسی به خاطر آن به زندان نمی‌رود. این اقدام تنها در ایران صورت می‌گیرد زیرا جوابی جز زندان برای خواست انسانی کارگران که حقوق ۴۸۷ هزار تومانی نمی‌خواهند ندارند. بازداشت این اشخاص به منظور ساکت نشاندن میلیونها کارگر رنج دیده و فقر زده است تا نسبت به هر بلای وحشتناک تری که سرشان بیابورند، صدایشان در نیاید. بازداشت فعالین کارگری اتفاق تازه‌ای نیست. هر بار که خواسته شده است تا به حرمت و شأن انسانی کارگران یورش برده شود چنین اتفاقاتی افتاده است. یورش به فعالان کارگری شهر سنندج نیز در راستای تحمیل مزد ۴۸۷ هزار تومانی است و می‌خواهند کل طبقه کارگر را با این اقدام به سکوت بکشانند. اما کارگران در مقابل، ساکت نخواهند نشست ولی قبل از هر چیز باید به بازداشت فعالان خود شدیداً اعتراض نمایند. باید فعالان را از بند رها نمود و در ادامه خواهان اعاده حقوق از دست رفته خود و از جمله افزایش دستمزد مطابق با استانداردهای بین‌المللی شد.» لازم به ذکر است که به گزارش کلمه کارگری، وبلاگ انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه به فاصله کوتاهی پس از صدور این بیانیه از دسترس کاربران اینترنت خارج شد و بجای آن در آدرس این وبلاگ نوشته ذیل به توجه مراجعه کنندگان این وبلاگ می‌رسد: «این وبلاگ به دستور کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه مسدود شده است.»

سه‌شنبه ۲۹ اسفند:

رضا شهابی، عضو هیات مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بیانیه‌ای تحت عنوان «جای کارگران در زندان نیست!» در تارنمای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری منتشر کرد که متن کامل آن به شرح ذیل است: «کارگران و مردم آزادیخواه! اخیراً دور تازه‌ای از احضار، بازداشت و زندانی کردن کارگران و فعالین کارگری تشدید شده است. ۷ تن از فعالین کارگری به نامهای خالد حسینی، وفا قادری، علی آزادی، غالب حسینی، بهزاد فرج الهی و حامد محمود نژاد از اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و شریف ساعدیناه عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران دستگیر و زندانی شده اند و تعدادی دیگر از فعالین کارگری تهدید یا احضار شده اند. این تهدید و ارعاب و دستگیری‌ها در حالی است که محمد جراحی، فریبرز رئیس‌دانا، شاهرخ زمانی، پدram نصرالهی، رسول بداغی، عبدالرضا قنبری و بسیاری دیگر از فعالین کارگری و سیاسی همچنان در زندان به سر می‌برند. فعالین کارگری در شرایطی بازداشت و محاکمه می‌شوند که قشر فرودست و زحمتکش از نظر درآمد در شرایط اسفباری به سر می‌برند و هر روزی که می‌گذرد قدرت خرید طبقه کارگر پائین می‌آید و امید به زندگی را از دست می‌دهند. در چنین شرایطی کارگران و فعالین کارگری برای دفاع از مطالبات و حقوق از دست رفته خود راهی جز ایجاد تشکل مستقل کارگری ندارند. آیا سزاوار است کارگران و فعالین کارگری که چرخ اقتصاد کشور را به چرخش در می‌آورند در آستانه عید نوروز به خاطر حق خواهی و درخواست یک زندگی شرافتمندانه زندانی شوند و خانواده و فرزندان این زحمتکشان را چشم انتظار گذاشت؟ جای این زحمتکشان در زندان نیست بلکه آنها باید در آستانه عید نوروز در کنار خانواده، همکاران و هم طبقه‌ای‌های خود قرار بگیرند. من و هم طبقه ای‌هایم برای دفاع از کارگران زندانی ساکت نخواهیم نشست و بازداشت و زندانی و محکوم کردن کارگران را محکوم می‌کنیم. کارگران، تشکلهای کارگری و نهادهای اجتماعی و حقوق بشری داخلی و خارجی! از شما می‌خواهم نسبت به سرنوشت کارگران زندانی بی‌تفاوت نباشید و از هر طریق ممکن به ادامه بازداشت آنها اعتراض و خواستاری آزادی همه کارگران زندانی باشند.»

شنبه ۳ فروردین ۱۳۹۲ :

جمعی از کارگران شهر سنندج در اعتراض به بازداشت فعالان کارگری این شهر بیانیه‌ای در تارنمای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری منتشر کردند که در بخشی از آن با ذکر نام و اشاره به فعالان کارگری زندانی آمده است: «(کارگران دربند (تنها به جرم عضویت در تشکلهای کارگری، و دفاع از حقوق کارگران، و اعتراض به سفره ی خالی آنان، بازداشت و محبوس شده اند. فعالینی که با پایبندی به اصول انسانی طبقه ی کارگر، ثابت نموده اند منافعی جدای از منافع کارگران نداشته و نخواهند داشت. با درک این واقعیت‌ها، تنها سؤالی که ذهن هر انسان آگاه و وجدان بیداری را مشغول خود می‌سازد این است که: آیا دفاع از نان و مسکن و آزادی کارگران و محرومان مستحق چنین عقوبتی می‌باشد که این عزیزان دچار آنند؟ مگر برآیند فریاد مساوات و برابری طلبی اینان موجب گستراندن عدالت اجتماعی و رفاه فراگیر و همگانی نخواهد بود که اینچنین دربند و اسیرند؟»

یکشنبه ۴ فروردین ۱۳۹۲ :

علی نجاتی، عضو هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه در پیامی که در تارنمای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری منتشر کرد حمایت خود را از کارگران دربند و اعتراض خود را نسبت به بازداشت و حبس آنان و تهدید و ارعاب خانواده‌هایشان اعلام کرد. متن کامل این پیام به شرح ذیل است: «در آستانه روز جهانی (۸ مارس) و سال نو تعدادی از کارگران به نامهای بهزاد فرج الهی، علی آزادی، وفا قادری، خالد حسینی، حامد محمودنژاد و غالب حسینی از اعضای کمیته ی هماهنگی و شریف ساعد پناه از اعضای اتحادیه آزاد بازداشت و زندانی شدند. این بازداشتها در شرایطی انجام می گیرد که موج بیکاری فزاینده‌ای کشور را فرا گرفته و تورم افسار گسیخته و گرانی سرسام آور کمر طبقه کارگر را خم کرده است. مگر این کارگران چه خواسته‌ای داشتند که در آستانه سال نو بایستی در زندان باشند؟ جز اینکه خواستار دستمزد عادلانه و زندگی شرافتمندانه برای کارگران و مردم عزیز و رفع تبعیض بودند؟ آیا جای این انسانهای شریف در زندان است. این نوع برخوردها و تهدید و ارعاب خانواده‌ها و بازداشت کارگران محکوم است و خواستار آزادی فوری و بی‌قید شرط این کارگران هستیم. با ارزوی اتحاد و همبستگی تمامی کارگران»

علی نجاتی- عضو هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه

پنجشنبه ۸ فروردین ۱۳۹۲ :

اتحادیه آزاد کارگران ایران که خبر آزادی شریف ساعد پناه، عضو هیئت مدیره این اتحادیه را در تارنمای خود منتشر کرد، علت دستگیری فعالان کارگری دیگر که از اعضای کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری در سنجند هستند را بر اساس ظواهر امر در ارتباط با تلاش کارگران برای برگزاری روز جهانی زن عنوان کرد. بنا بر تحلیل این تشکل کارگری دستگیری فعالان و رهبران کارگری در سالیان گذشته تا به امروز با اتهامات بی اساس برای تحت فشار قرار دادن آنها بوده تا در مبارزه برای خواسته‌های مشروع و به حق خود وادار به سکوت گردند و بازداشت های اخیر در روزهای پایانی سال گذشته نیز در این راستا صورت گرفته است. تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران تحلیل خود نسبت به فشارهایی که بر فعالان کارگری از جانب نهادهای امنیتی وارد میشود را اینگونه بیان میبرد: «اتهاماتی که نهادهای امنیتی برای ساکت کردن فعالان کارگری به آنان وارد میکنند علی رغم بی ارتباط بودن به فعالیت اجتماعی کارگرانی چون شریف ساعد پناه، امروزه جزئی از حقوق مدنی خدشه ناپذیر و پذیرفته شده شهروندان در سطح دنیا محسوب می شود».

اشتراک‌گذاری:

بازخوانی پرونده های گروه کارگری ایلنا

آنچه بر کارگران دریایی در سال ۹۱ گذشت

بسیاری از مشکلات کارگران دریایی از عدم وجود قانون کار دریایی نشات می گیرد. بعد از ۴۰ الی ۵۰ سال، همچنان یک قانون کار دریایی مدون برای کارگران دریایی وجود ندارد. بسیاری امیدوارند تا با اقدام مجلس در تصویب کنوانسیون ۱۴۷ کار دریایی، قانون کار دریایی هر چه زودتر تدوین، تصویب و اجرا شود.

در سالی که گذشت بیش از ۱۳۰ تن از کارگران دریایی شاغل در شرکت‌های کشتیرانی جمهوری اسلامی و شرکت ملی نفت کش تعدیل شدند.

به گزارش ایلنا، این شرکت‌ها «به دلیل تحریم‌ها، فشارهای اقتصادی و مشکلات به وجود آمده برای کشور به مشکلات مالی برخوردند که باعث شد بیش از ۱۳۰ تن از کارگران خود را در یک سال گذشته تعدیل کنند».

همچنین در این سال، غلامرضا زنگی اهرمی عضو انجمن صنفی کارگری دریانوردان جمهوری اسلامی (مرکز خلیج فارس) برای اولین بار از تعدیل کارگران ایرانی شرکت کشتیرانی ایران - هند خبر داد.

«شرکت کشتیرانی ایران – هند، تمام کارگران ایرانی خود را که بر روی عرشه کشتی‌های این شرکت مشغول به کار بودند به دلیل فرار از پرداخت حقوق و مزایا به آنان مرخص کرده بود و فقط از کارگران هندی استفاده می‌کرد».

عدم اجرای طبقه بندی مشاغل

کارگران دریایی مدتهاست که خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستند. در سال ۹۱، حداقل دو نامه از سوی «رئیس انجمن صنفی کارگری دریانوردان جمهوری اسلامی مرکز خلیج فارس» و «جمعی از کارکنان شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران» خطاب به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ارسال شد که در آنها از «عدم اجرای قانون طبقه بندی مشاغل» از سوی شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی انتقاد شده بود.

«شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران برابر سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی از سال ۸۷ به بخش غیر دولتی واگذار گردیده و تا کنون طرح طبقه بندی مشاغل قانون کار برای شرکت مذکور اجرایی نگردیده است».

برای اطلاع محتوای دو نامه مذکور به اینجا و اینجا مراجعه کنید.

عدم اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور

مطابق نامه های وزارت راه و ترابری و سازمان بنادر کشتیرانی، شرکت‌های کشتیرانی موظف شده اند تا قانون مشاغل سخت و زیان آور را برای پرسنل خود اجرایی کنند.

به گفته غلامرضا زنگی اهرمی عضو انجمن صنفی کارگری دریانوردان جمهوری اسلامی مرکز خلیج فارس، شرکت‌های دولتی «ملی نفتکش» و «فلات قاره» وابسته به وزارت نفت تا کنون اقدامی در خصوص اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور برای بیش از ۲۰۰۰ پرسنل خود نداده‌اند.

ممانعت از پرداخت دستمزد ارزی کارگران دریایی

عضو انجمن صنفی کارگری دریانوردان جمهوری اسلامی مرکز خلیج فارس در روزهای پایانی سال ۹۱ از ادامه ممانعت پرداخت دستمزد ارزی بیش از ۱۵۰۰ کارگر دریایی از سوی «شعبه کشتیرانی بانک تجارت بندرعباس واقع در خیابان جهانگردی» خبر داد.

ایلنا پیش‌تر در گزارشی از عدم پرداخت دستمزد کارگران دریایی شرکت‌های کشتیرانی جمهوری اسلامی، شرکت ملی نفتکش و شرکت کیش راه آبی که باید حقوق خود را به دلار دریافت می‌کردند خبر داده بود.

بر اساس این گزارش، هنگامی که پرسنل این شرکت‌ها برای دریافت حقوق خود به بانک مراجعه می‌کنند به آن‌ها گفته می‌شود که چون دلار نداریم حقوق شما را به ریال و مطابق نرخ بانک مرکزی (هر دلار ۱۲۵۰۰ ریال) پرداخت می‌کنیم اما پرسنل از دریافت آن سر باز زده و به این موضوع اعتراض می‌کنند.

بعد از اعتراض کارگران، به آن‌ها پیشنهاد شده است تا حقوق خود را به ریال و با نرخ دلاری ۲۲۵۰۰ ریال دریافت کنند.

بعد از تهیه این گزارش، مسئولان بانک تجارت در تماسی با خبرنگار ایلنا خواستار اعلام مشخصات شعبه متخلف شدند و قول پیگیری‌های بعدی را نیز دادند که به نظر می‌رسد تا به امروز اقدامی صورت نگرفته است.

عدم وجود قانون کار دریایی

بسیاری از مشکلات کارگران دریایی از عدم وجود قانون کار دریایی نشات می‌گیرد. بعد از ۴۰ الی ۵۰ سال، همچنان یک قانون کار دریایی مدون برای کارگران دریایی وجود ندارد. بسیاری امیدوارند تا با اقدام مجلس در تصویب کنوانسیون ۱۴۷ کار دریایی، قانون کار دریایی هر چه زودتر تدوین، تصویب و اجرا شود.

در حال حاضر تدوین قانون کار دریایی بر عهده وزارت کار و سازمان بنادر و دریانوردی قرار گرفته است. همچنین شرکت‌های کشتیرانی و تشکلات کارگری - دریانوردی نیز هر کدام با داشتن یک رای، در تهیه و تدوین پیش نویس آن دخیل هستند

مروری بر ایلنای کارگری در سال ۹۱

فاجعه فولاد غدیر؛ تلاشی برای فراموش نکردن

خلاصه:

«به گواه اخبار و گزارشهای رسمی کارگران فولاد غدیر اولین و آخرین قربانیان حوادث حین کار در کشور نیستند اما با این حال بازخوانی اخبار مربوط به حادثه فولاد غدیر می‌تواند بیانگر وضعیت همه کارگرانی باشد که در جریان حوادث حین کار آسیب دیده‌اند.»

از حادثه تاسف بار انفجار کوره کارخانه فولاد غدیر یزد که به کشته شدن ۱۸ کارگر منجر شد بیش از یکسال می‌گذرد، ۲۷ آبان ماه امسال و در آستانه یک سالگی این ماجرای تکان دهنده، شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی و جزایی یزد به ریاست قاضی محمود رضا مسعودی طی رای کارفرمای این کارخانه را مقصر تشخیص داد.

به موجب این رای کارفرمای این کارخانه و بر اساس شکایت‌های مطرح شده از سوی اولیاء دم، کارفرمای کارخانه فولاد غدیر یزد از یکسو در ارتباط با مرگ ۱۸ کارگر به «تسبیب در قتل غیر عمدی در ماه حرام» ناشی از عدم رعایت نظامات متهم شد و از سوی دیگر بابت مصدومیت سه کارگر باقیمانده نیز به اتهام «تسبیب در ایراد صدمه بدنی غیر عمدی» ناشی از عدم رعایت نظامات تحت پیگرد قضایی قرار گرفت.

به گواه اخبار و گزارشهای رسمی کارگران فولاد غدیر اولین و آخرین قربانیان حوادث حین کار در کشور نیستند اما با این حال بازخوانی اخبار مربوط به حادثه فولاد غدیر می‌تواند بیانگر وضعیت همه کارگرانی باشد که در جریان حوادث حین کار آسیب دیده‌اند.

از ترس اخراج تحمل می‌کردیم

به گزارش ایلنا، شامگاه روز ۲۰ آذر سال ۹۰ حوالی ساعت ۱۹ و ۴۵ دقیقه و درست یک ربع مانده به اتمام آخرین شیفت کاری کارگران، کوره ذوب آهن کارخانه فولاد غدیر منفجر شد و در پی این انفجار به دلیل پرتاب مواد مذاب و گدازه‌های درون کوره، ۱۸ کارگر کشته و یک کارگر دیگر مجروح شد.

محمدعلی مکاری، آن کارگر نوزدهم که از انفجار کوره کارخانه فولاد غدیر یزد زنده مانده اما در این انفجار به شدت آسیب دیده است، در گفتگو با ایلنا دلیل وقوع حادثه را این چنین بیان می‌کند: «کوره کپپ شده بود، فولاد مذاب سرد شده داخلش ریخته بودند. دهنه کوره بسته بود. راهی وجود نداشت که گاز خارج شود. گاز زیر مواد مذاب جمع شده بود و فولاد هم که داشت می‌جوشید. پنج ثانیه هم طول نکشید.»

ناگفته نماند که در زمان وقوع حادثه، علی اکبر اولیا نماینده وقت مجلس شورای اسلامی و عزیزاله سیفی فرماندار وقت در گفتگو با ایلنا اعلام کرده بودند که انفجار کپسول گاز یا مهمات مستعمل و عمل نکرده به جا مانده از زمان جنگ دلیل این حادثه بوده است.

این حادثه در حالی روی داد که بنا بر اظهارت منابع آگاه از جمله کارگران کارخانه فولاد غدیر، کارخانه یاد شده همواره یکی از واحدهای تولیدی حادثه خیز محسوب می‌شده است؛ به طوری که از زمان راه‌اندازی این کارخانه در سال ۸۶ تا زمان انفجار در آذر ماه سال ۹۰، حداقل ۵ حادثه مشابه دیگر در کارخانه فولاد غدیر رخ داده است.

به گفته این کارگران چه در زمان وقوع حادثه ۲۰ آذر ۹۰ و چه پیش از آن، کارفرما بدون در اختیار گذاشتن پوشش و لباس کار مناسب، کارگران را به محیط کار اعزام می‌کرده است و آن‌ها همواره به اجبار در مجاورت کوره مشغول کار بوده‌اند به گونه‌ای که سوختگی سطحی همواره یکی از حوادث شایع در میان کارگران این واحد تولیدی بوده است.

کارگران فولاد غدیر و خانواده قربانیان در نامه‌ای با متهم کردن کارفرما به رعایت نکردن موارد حفاظت و ایمنی در محیط کار، مدعی شده‌اند «نظر به وقوع حوادث مشابه در این واحد تولیدی و انتشار اخبار آن به بیرون از کارخانه، مسوولان اداره کار نیز از تخلف کارفرما مطلع بوده‌اند.»

محمدعلی مکاری که علاوه بر سوختگی ۴۵ درصدی‌اش، پدر خود را نیز در این حادثه از دست داده است، می‌گوید: «بازرس‌ها از اداره کار می‌آمدند اما به درستی کار خود را انجام نمی‌دادند. چرا که در سالهای گذشته هم چنین اتفاقاتی (البته نه در این سطح با ۱۸ کشته) داشتیم. اگر آن‌ها کارشان را به درستی انجام می‌دادند ما فقط برای کار کردن به کارخانه می‌رفتیم. نمی‌رفتیم که ندانیم امروز زنده بر می‌گردیم یا نه.»

او با اشاره به لباس نامناسبی که در روز حادثه در اختیار کارگران قرار گرفته بود اظهار می‌کند: «بله بازرسین می‌آمدند و می‌رفتند ولی پیگیری نمی‌کردند. بازرس‌ها غیر از اینکه باید وضعیت ایمنی کوره را بررسی می‌کردند باید به تجهیزات ایمنی که کارفرما به ما می‌داد هم نظارت می‌کردند. ما باید لباسهای ایمنی می‌داشتیم اما روز حادثه لباس پلاستیکی بر تن ما بوده که از کارخانه به ما داده بودند. همین لباس پلاستیکی باعث شدت سوختگی ما شد.»

این کارگر آسیب دیده حادثه در ادامه درد دل همه کارگران ایران را که عدم امنیت شغلی است بدین ترتیب شرح می‌دهد: «ما می‌دانستیم که لباس پلاستیکی هیچ محافظتی از ما نمی‌کند اما از ترس اخراج حرفی نمی‌زدیم و تحمل می‌کردیم. دولت - همین بازرس‌های کار - باید صاحب کارخانه را مجبور می‌کردند که به کارگزارانش لباس ایمنی بدهد. ما که کارگر بودیم و قراردادمان کف دستمان بود. می‌گفتند این کوره ذوب فولاد و این هم لباس، نمی‌خواهید به سلامت.»

رای صادره برای کارفرما؛ پرداخت دیه و شش ماه حبس تعزیری

در پی این انفجار و با شکایت نزدیک به ۵۴ نفر از اولیاء دم کارگران قربانی، شعبه ۱۰۷ جزائی شهرستان یزد به ریاست قاضی محمود رضا مسعودی در تاریخ سوم آذر سال جاری رای خود را در رابطه با این حادثه صادر کرد.

در رای صادره از شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی و جزایی یزد آمده است: «دادگاه با توجه به محتویات پرونده شکایت اولیاء دم مرحومان و نیز شکایت پرونده نظریه پزشکی، نظریه کارشناسان کار، اظهارات متهم و تحقیقات معموله بزه انتسابی به نظر دادگاه محرز و مسلم است فعل ارتكابی متهم منطبق است با ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی؛ لذا دادگاه به استناد ماده مذکور از قانون مجازات اسلامی و نیز مواد ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۷ و ۳۰۰ همان قانون و اعمال ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به لحاظ وضعیت خاص متهم و حسن سابقه او نامبرده را به تحمل شش ماه حبس تعزیری و یک و یک سوم دیه کامل مرد مسلمان د ر حق هر یک از اولیاء دم مرحومان به تفکیک (در خصوص تنها کارگر غیر مسلمان نیز مبلغ مذکور وفق دستور اجرای احکام به صندوق دادگاه واریز خواهد شد) و نیز پرداخت دیه مصدومان به شرح ذیل محکوم می‌نماید.»

عدم تناسب جرم و مجازات

رای مذکور در مورد حادثه انفجار کارخانه غدیر خم که صادر شد اولیای دم کشته شدگان و ناظران این ماجرا را در بهت و حیرت فرو برد. در حالی که جرمی همچون نگهداری و خرید و فروش اموال مسروقه و نه حتی عین عمل دزدی بیش از شش ماه حبس را در پی دارد، فعل ارتكابی متهم حادثه‌ای که قصور وی که به کشته شدن ۱۸ انسان دیگر منجر شده، تنها شش ماه حبس تعزیری را به دنبال داشته و این پرسش را در اذهان عمومی به وجود آورده است که در حالی که برخی جوانان به دلیل اخلال در ترافیک طبق قانون به حبس‌های طولانی‌تر از شش ماه محکوم شده‌اند، چگونه قصور و تقصیر در کشته شدن ۱۸ انسان چنین حکمی را در پی دارد. پس تناسب جرم با مجازات آنچه می‌شود؟ و آیا چنین مجازاتی از وقوع حوادث مشابه جلوگیری می‌کند یا زمینه را برای تساهل کارفرمایان در رعایت استانداردهای ایمنی ایجاد خواهد کرد؟ ناگفته پیداست که این پرسش‌ها نه از منظر خشونت طلبی و انتقام‌گیری بلکه از سر دغدغه جلوگیری از وقوع دوباره حوادث این چنینی مطرح می‌شود.

علی اکبر اولیا نماینده سابق یزد در مجلس در خصوص رای دادگاه می‌گوید: «با توجه به اینکه در حادثه یادشده ۱۸ کارگر بصورت تدریجی و درآوری جان داده و سه نفر باقیمانده نیز به همان طریق به شدت دچار سوختگی شدند، تعیین محکومیت حبس ۶ ماهه برای تنها مجرم پرونده از نظر جنبه عمومی درست نیست.»

وی در عین حال معتقد است: «هرچند از نظر فنی و حقوقی کارفرمای کارخانه فولاد غدیر در بروز این حادثه مقصر بوده است اما دولت به عنوان مروج فرهنگ کار نیز در بروز این حادثه بی‌تقصیر نیست.»

همچنین محمدعلی مکاری، کارگر بازمانده‌ای که یک سال پس از آن روز تلخ، همچنان با مشکلات ناشی از سوختگی شدید مواجه، می‌گوید: «متأسفانه رای دادگاه آنطور که خانواده‌های قربانیان انتظار داشتند نبود.»

وی با بیان اینکه از زمان راه اندازی کارخانه در سال ۸۶ تا زمان وقوع حادثه آذر ماه سال گذشته، کوره ذوب کارخانه شش بار دچار حادثه شده بود، اظهار می‌کند: «پیش از انفجار سال گذشته، و در سالهای ۸۶ و ۸۷ دو نفر از کارگران در جریان حوادث جداگانه دچار حادثه شدند که یکی از آنان فوت کرد و دیگری بر اثر شدت سوختگی در ناحیه چشم نابینا شد.»

این کارگر مصدوم کارخانه فولاد غدیر با یادآوری اینکه اداره کار به واسطه گزارش بازرسان خود از تخلف کارفرما مطلع بوده است، می‌گوید: «با توجه به تکرار پی‌درپی حوادث مشابه در کارخانه فولاد غدیر، اولیای دم و خانواده‌های قربانیان انتظار داشتند که دادگاه برای متهمان رای سنگین‌تری را صادر کند.»

مکاری با بیان اینکه پس از عید قربان امسال، کارخانه بازگشایی شد می‌افزاید: «چندی پیش برای پیگیری موضوعی به کارخانه مراجعه کردم و مطلع شدم که کارخانه باز شده و فعالیت‌ها از سر گرفته شده است اما هنوز کیفیت رعایت نکات حفاظت ایمنی و بهداشت مانند گذشته پایین است و احتمال تکرار حوادث مشابه وجود دارد.»

توصیه شده بود که وکیل بگیریم

صدور این رای در حالی بود که خانواده‌های بازماندگان بدون داشتن وکیل دعای عیله کارفرمای کارخانه فولاد غدیر اقامه دعوی کرده بودند و با توجه به سابقه وقوع حوادث در این کارخانه و نیز نظر کارشناسی بازرسان کار در خصوص مقصر بودن کارفرما، از دادگاه انتظار تعیین مجازات سنگین‌تری را داشتند.

مکاری ضمن یادآوری اینکه انفجار کوره ذوب در شامگاه بیستم آذرماه سال گذشته، ششمین حادثه‌ای بود که در این کارخانه رخ داد، می‌گوید: «بعد از اینکه بازرسان اداره کار در گزارش خود کارفرما را مقصر ۱۰۰ درصدی قلمداد کردند به اولیاء دم توصیه شد چون مجرمیت کارفرما محرز است بهتر است به منظور پرهیز از تشریفات بی‌مورد وکیل دعوی اختیار نشود.»

وی همچنین از اینکه دادگاه به استناد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مبنی بر لحاظ کردن وضع خاص و حسن سابقه متهم برای کارفرمای مجرم مجازات تعیین کرده است؛ انتقاد کرده و اظهار می‌کند: «برای اولیاء دم و هم‌نیطور بازماندگان کارگران قربانی این ابهام وجود دارد که چگونه دادگاه با توجه به سابقه‌دار بودن کارفرما در رعایت نکردن نکات حفاظت ایمنی و بهداشت کار رای به ۶ ماه حبس تعزیری داده است.»

سبک بودن مجازات ناشی از عدم حضور وکیل بوده است

این در حالی است که به گفته یک کارشناس حقوقی، در پرونده مربوط به قربانیان حادثه انفجار کارخانه فولاد غدیر، دلیل سبک بودن مجازات تعیین شده می‌تواند ناشی از عدم حضور وکیل دعوی برای دفاع از حقوق اولیاء دم بوده باشد.

سهراب قنبری بابیان اینکه اولیاء دم و سایر شاکیان این پرونده باید برای پیگیری خواسته خود از حق قانونی داشتن وکیل دعوی استفاده می‌کردند؛ می‌گوید: «متأسفانه به نظر می‌رسد که چون در جریان رسیدگی به پرونده وکیل دعوی برای دفاع از حقوق قربانیان حضور نداشته است دادگاه بطور کامل در جریان پرونده قرار نگرفته و در نتیجه در بحث عمومی این مجازاتی متناسب با جرم رخ داده صورت نگرفته است.»

وی ادامه می‌دهد: «اگر وکیل دعوی در جریان دادرسی وجود داشت احتمال اینکه دادگاه در رای خود به استناد مواد ۲۲ و ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی برای کارفرما تعیین مجازات کند خیلی پایین بود و بطور قطع به منظور جلوگیری از تکرار چنین حوادثی در تمامی محیط‌های کار برای متهم از جنبه عمومی مجازاتی به مراتب سنگین‌تر تعیین می‌شد.»

این وکیل دادگستری در خصوص استناد دادگاه به ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی اظهار می‌کند: «موضوع این ماده تعیین مجازات برای قتل غیر عمد است و این درحالی است که شواهد و مدارک از وقوع قتل شبه عمد در جریان حادثه انفجار سال گذشته کارخانه فولاد غدیر حکایت می‌کند».

به موجب ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی «در صورتی که قتل غیر عمد (به غیر از قتل غیر عمد در اثر تصادف رانندگی) به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد».

قنبری همچنین در خصوص اینکه اعمال ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی در تعیین مجازات کارفرمای کارخانه فولاد غدیر گفت: «موضوع این ماده قانونی رافت اسلامی است و از نظر حقوقی و قانونی رافت اسلامی شامل حال متهمی می‌شود که از نظر کیفری یا در خصوص جرم انتسابی دارای سوء سابقه نباشد».

به موجب بند ۵ از ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، «دادگاه می‌تواند با توجه به وضعیت خاص متهم و یا سابقه او مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب‌تر به حال متهم باشد».

این درحالی است که بنا بر شواهد موجود شخص متهم در حادثه انفجار کارخانه فولاد غدیر حداقل در خصوص جرم انتسابی فاقد حسن سابقه بوده و به همین دلیل شرایط بر خورداری از رافت اسلامی را ندارد.

نگاهی فارغ از جناح بندی‌های سیاسی

صدور حکم سنگین‌تر برای متهم خواسته اولیای دم کشته شدگان حادثه مذکور است. همراهی با این خواسته از این جهت اهمیت دارد که بار دیگر شاهد وقوع حوادث دلخراش اینچینی نباشیم. اگر موضوع طرح سوال از وزیر کار در زمان وقوع حادثه از حرف به عمل منجر می‌شد، دست کم وزارت کار را ترغیب می‌کرد که جدیت بیشتری در امر مهم بازرسی مستمر از محیط‌های کارگری به خرج دهد.

علی اکبر اولیا، نماینده مردم یزد در زمان وقوع حادثه، در سالگرد حادثه می‌گوید: در آن زمان پرسش از وزیر کار در دستور کار مجلس قرار گرفت اما برخی از بیرون مجلس خواستار لغو پرسش شدند اما در نهایت عمر مجلس هشتم به پایان رسید و پرسش مورد نظر مانند خیلی از اقدامات ناتمام مجلس هشتم از دستور کار خارج شد.

تفکری که از بیرون مجلس خواستار لغو یک سوال ساده می‌شود و همه چیز را در نگاه تک بعدی و ساده نگر خود سیاسی و جناحی می‌بیند راه اصلاح را بر موارد اینچینی می‌بندد و زمینه باز تکرار چنین وقایعی را ایجاد می‌کند. تمام کسانی که در بسته شدن هر چه زودتر این پرونده بدون بررسی کامل و جامع و بدون تدارک دیدن بستری برای عدم تکرار آن فعال بوده‌اند در صورت تکرار دوباره چنین حوادثی اخلاقاً مسئول خواهند بود.

پایان پیام

مروری بر ایلنای کارگری در سال ۹۱

دولت؛ کارگردان نمایش تعیین دستمزد

خلاصه: «در حالی که ۱۱ نفر عضو رسمی در شورای عالی کار حضور دارند، جلسات این شورا مطابق آیین نامه مصوب هیئت دولت با ۷ نفر رسمیت می‌یابد. در این صورت عدم حضور ۳ نماینده کارگری در شورا، تأثیری بر رسمیت یافتن جلسه نخواهد داشت.»

حداقل مزد ۹۲ در حالی به میزان ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان تصویب شد که از مدت‌ها پیش ذکر شده بود ترکیب شورای عالی کار به صورتی چیده شده است که امکان دفاع از حقوق کارگران، چانه زنی و مقاومت بر خواسته‌های آنان از سوی نمایندگان کارگری این شورا وجود ندارد. گروه کارگری ایلنا چند روز پیش از تصویب حداقل مزد ۹۲ در شورای عالی کار با طرح این موضوع نسبت به تعیین مزد ناعادلانه هشدار داده بود.

در این گزارش تأکید شده است نقش نمایندگان کارگری که باید با چانه زنی از حقوق کارگران دفاع کنند به گروهی مشورتی تقلیل داده شده است و هر گونه تصمیمی که گروه کارفرمایی و دولت به عنوان بزرگترین کارفرمای کشور می‌گیرند به عنوان نتیجه نهایی جلسات این شورا اعلام می‌شود. مرور دوباره این گزارش بدون شک خالی از لطف نیست:

نمایندگان کارگری و کارفرمایی شورای عالی کار معتقدند با حضور ۵ نماینده از سوی دولت و وجود تنها ۳ نماینده از جانب هر کدام از شرکای اجتماعی (کارگران و کارفرمایان) در شورای عالی کار، تصمیم نهایی در خصوص دستمزد به عهده دولت است.

به گزارش ایلنا، شورای عالی کار همه ساله در اسفند ماه با حضور نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت تشکیل جلسه می‌دهد تا با انجام مذاکراتی در مورد حداقل دستمزد سال آتی، میزان آن را مشخص کنند.

مطابق ماده ۱۶۷ قانون کار، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان رئیس شورای عالی کار مشخص شده است. همچنین دو نفر از افراد بصیر و مطلع در مسائل اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وی و تصویب هیات دولت، سه نفر از نمایندگان کارفرمایان و سه نفر از نمایندگان کارگران در این شورا حضور دارند.

از دست رفتن سه جانبه‌گرایی در شورای عالی کار و بی‌تأثیر شدن حضور یا عدم حضور نمایندگان گروه کارگری در این شورا به موجب قوانین مصوب مجلس (ماده هشت قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و تبصره سه ماده ۱۸ قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران) که ۲ نفر دیگر از سوی دولت را به اعضای شورای عالی کار اضافه کرده نگرانی جامعه کارگری را برانگیخته است.

شورایی که دیگر شورا نیست

با افزایش ۲ نفر به ترکیب سه نفره گروه دولتی شورای عالی کار و ثابت ماندن تعداد آرای کارگران و کارفرمایان، دولت در مصوبات این شورا از جمله دستمزد دارای بیشترین رای است.

در همین رابطه محمد احمدی عضو کارگری شورای عالی کار حضور ۵ نماینده از سوی دولت در این شورا را با «روح سه جانبه‌گرایی در قانون کار» متضاد می‌داند و می‌گوید: در این شرایط، حضور یا عدم حضور گروه کارگری در جلسات شورای عالی کار تأثیری بر رسمیت یافتن جلسه و روند تصویب دستمزد ندارد.

همچنین حسین سلاح ورزی از فعالان جامعه کارفرمایی کشور نیز معتقد است: حضور ۵ نماینده از سوی دولت در شورای عالی کار روند مذاکرات را تحت الشعاع خود قرار داده است.

در حالی که ۱۱ نفر عضو رسمی در شورای عالی کار حضور دارند، جلسات این شورا مطابق آیین نامه مصوب هیئت دولت با ۷ نفر رسمیت می‌یابد. در این صورت عدم حضور ۳ نماینده کارگری در شورا، تاثیری بر رسمیت یافتن جلسه نخواهد داشت.

همچنین ابزارهای اعتراضی کارگران از جمله ترک جلسه به روند مذاکرات و عدم امضای مصوبه دستمزد از سوی نمایندگان کارگری بی‌تاثیر شده و بدان معناست که موافقت یا عدم موافقت نمایندگان کارگری با مبلغی که در نهایت به عنوان حداقل دستمزد تعیین می‌شود تفاوتی نمی‌کند و دولت کارگردان مطلق شورایی نمایشی شده است.

رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور که در به عنوان عضو ناظر، در صدر نمایندگان کارگری مذاکره کننده در شورای عالی کار قرار دارد، عدم حضور نمایندگان کارگری در این شورا یا ترک جلسه از سوی آنان به نشانه اعتراض به روند تصویب دستمزد را «غیر موثر» می‌خواند و می‌گوید: هرگونه اقدام به ترک جلسه یا خوداری از امضای مصوبه شورای عالی کار از سوی هرکدام از شرکای کارگری و یا کارفرمایی تنها جنبه نمادین داشته و فاقد کارایی و بازدارندگی قانونی است.

علی بیگی تغییرات ایجاد شده در آیین نامه شورای عالی کار را به سال ۸۶، زمانی ارجاع می‌دهد که نمایندگان کارگری برای اولین بار مصوبه دستمزد را به نشانه اعتراض امضا نکردند.

اما نکته‌ای که وی توضیح نمی‌دهد چرایی عدم ارجاع این مسئله از سوی تشکل‌های رسمی کارگری به نهادهای نظارتی و قضایی از جمله دیوان عدالت ادراست.

نقش مشورتی نمایندگان کارگری

در شرایطی که وصف آن رفت، قدرت شورایی که تصمیماتش بر روی زندگی میلیون‌ها کارگر تاثیر می‌گذارد به گونه‌ای تقسیم شده که نقش نمایندگان کارگری در حد گروهی مشورتی تقلیل یافته است.

دولت به عنوان بزرگترین کارفرمای کشور تبدیل به پدیری شده است که از دو گروه کارگری و کارفرمایی حاضر در جلسات شورای عالی کار انتظار تبعیت دارد.

به نظر می‌رسد نمایندگان کارگری که قرار بوده است با چانه زنی و سایر ابزارهای قانونی از جمله شکایت به دیوان عدالت اداری، ماده ۱۴۱ قانون کار و... از حقوق جامعه کارگری دفاع کنند کمترین نقش را در شورایی که تصمیماتش بیشترین تاثیر را بر زندگی میلیون‌ها کارگر دارد بازی می‌کنند.

پایان پیام

<http://www.ilna.ir>

1391-12-28, 15:41

کد خبر: 57832

سرویس: کارگری «واحدها

مطلب

مروری بر ایلنای کارگری در سال ۹۱

کارگران نساجی: از تهران تا قائمشهر

«هجدهم آذرماه امسال آن موقع که هوای تهران می‌رفت تا در جابجایی پاییز و زمستان روی سرد خود را نشان دهد، کارگران نساجی مازندران برای چندمین بار شاک از خلف وعده کارفرمای خارجی خود به تهران آمدند تا تحقق وعده‌های مسئولان مبنی بر پرداخت ۲۸ ماه مطالبات و بازگشایی دوباره کارخانه را دوباره پیگیر شوند».

هجدهم آذرماه امسال آن موقع که هوای تهران می‌رفت تا در جابجایی پاییز و زمستان روی سرد خود را نشان دهد، کارگران نساجی مازندران برای چندمین بار شاکی از خلف وعده کارفرمای خارجی خود به تهران آمدند تا تحقق وعده‌های مسئولان مبنی بر پرداخت ۲۸ ماه مطالبات و بازگشایی دوباره کارخانه را دوباره پیگیر شوند.

هرچند آن زمان این کارگران بدون نتیجه‌ای خاص دوباره به شهر خود بازگشتند اما اکنون این کارگران از پرداخت بخشی از مطالبات معوقه خود توسط نماینده کارفرمای خارجی خبر می‌دهند. به گفته این کارگران ظاهراً کارفرمای خارجی و نماینده او این بار تحت فشار مسئولان ایرانی و از ترس خلع ید، حدود ۲ تا ۳ ماه از مطالبات معوقه را بصورت علی الحساب پرداخت کرده‌اند و وعده داده‌اند که تا پایان شهریور ماه سال ۹۲ با همه کارگران شاغل و بازنشسته تسویه حساب خواهند کرد.

بازخوانی

متن زیر گزارشی از سفر به تهران، تجمع و در نهایت بازگشت کارگران نساجی مازندران در تاریخ ۱۸ آذرماه سال جاری است:

کارگران نساجی مازندران می‌گویند طبق وعده‌ای که به آن‌ها در جریان آخرین سفر به تهران داده شده است، برای بازگشایی کارخانه و دریافت مطالبات معوقه خود تا پایان آذرماه منتظر خواهند ماند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در پی سفر هفته گذشته جمعی از کارگران نساجی مازندران به تهران و اقامت دو روزه آن‌ها در محل دفتر مرکزی این کارخانه پایتخت برای تجمع در مقابل نهاد ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، سرانجام این کارگران شامگاه سه شنبه تهران را به مقصد قائمشهر ترک کردند تا بار دیگر تحقق وعده مسئولان کشوری و استانی را انتظار بکشند.

سعید ابراهیمی نماینده منتخب کارگران نساجی مازندران در این باره گفت: این کارگران در حالی برای پیگیری مطالبات خود در شرایط بد آب و هوایی به تهران آمده و در دفتر مرکزی کارخانه مقیم شدند که هم از بابت تامین هزینه‌های کرایه اتومبیل و خورد و خوراک دچار مشکل بودند و هم از نظر پوشش در برابر سرما و محل اقامت و اسکان سرپناه مناسبی نداشتند.

وی گفت: هر چند در نهایت کارگران نساجی مازندران چاره‌ای جز پذیرش وعده نمایندگان مجلس و بازگشت به شهر خود نداشتند اما چنانچه این بار نیز در موعد مقرر هیچ گام مثبت و قابل توجهی در خصوص بازگشایی کارخانه و پرداخت مطالبات کارگران برداشته نشود کارگران به همراه خانواده‌های خود عازم تهران خواهند شد.

گفتند برگردید و تا آخر آذر صبر کنید

نماینده کارگران نساجی مازندران با یادآوری اینکه در جریان این تجمع حدود ۲۰۰ نفر به نمایندگی از کارگران شاغل و بازنشسته نساجی مازندران در روزهای سه شنبه و چهارشنبه هفته گذشته در مقابل نهاد ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی تجمع کردند، گفت: به دنبال این تجمع روز چهارشنبه جمعی از نمایندگان مجلس از جمله نایب رئیس مجلس، رئیس فراکسیون کارگری مجلس، یکی از اعضای کمیسیون صنایع و یکی از نمایندگان قائمشهر در مجلس با تجمع کنندگان دیدار کرده و از آن‌ها خواستند تا برای بازگشایی کارخانه و دریافت مطالبات خود تا پایان آذر ماه صبر کنند.

به گفته ابراهیمی یک روز پیش از این نیز کارگران یاد شده در اقدامی مشابه در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کرده بودند، گفت: به دنبال این تجمع نهاد ریاست جمهوری به کارگران وعده رسیدگی داده بود.

وی گفت: قرار بود مرکز رسیدگی به شکایات مردمی نهاد ریاست جمهوری در خصوص اعتراض و خواسته‌های کارگران نساجی مازندران جلسه‌ای را تشکیل دهد که به در پی افزایش آلودگی هوای پایتخت و اعلام تعطیلی دو روزه این شهر نتیجه این جلسه برای کارگران معترض نامعلوم ماند.

آمدیم به تهران چون کسی پاسخگو نبود

تجمع اعتراضی هفته گذشته کارگران نساجی مازندران در تهران پس از آن برگزار شد که نماینده کارفرمای خارجی این کارخانه نتوانست به هیچ کدام از تعهدات خود عمل کند.

پیش‌تر به دنبال تجمع اعتراضی مشابهی که اواخر ماه گذشته در تهران و توسط همین کارگران برگزار شده بود، نماینده

کارفرمای خارجی کارخانه نساجی مازندران در حضور جمعی از مقامات و مسئولان استانی و کشوری متعهد شده بود که تا روز ۱۰ آذرماه علاوه بر بازگشایی کارخانه، حدود ۲ میلیارد تومان از مطالبات معوقه کارگران را نیز پرداخت کند.

همچنین به موجب این توافق دولت نیز متعهد شده بود تا در صورت اجرایی شدن وعده کافرما، بابت پرداخت باقیمانده طلب کارگران مبلغ سه میلیارد تومان تسهیلات در اختیار کارفرما بگذارد. بنا بر ادعای کارگران نساجی مازندران که تا کنون حجم مطالبات معوقه آن‌ها به ۲۸ ماه رسیده است، با گذشت نزدیک به یک هفته از موعد مقرر هنوز نماینده کارفرما به وعده خود عمل نکرده است.

ابراهیمی، نماینده منتخب کارگران نساجی مازندران در این باره می‌گوید: حتی مسئولانی که در جریان توافق یاد شده قرار داشتند نمی‌دانستند که چرا نماینده کافرما خارجی به تعهدات خود عمل نکرده است.

وی بابیان اینکه کارگران نساجی مازندران هفته گذشته زمانی به تهران آمدند که هیچ مقام مسئولی پاسخگوی برآورده نشدن مطالبات آن‌ها نبود، گفت: هرچند سفر دو روزه این کارگران به تهران موجب دلخوری برخی شد اما واقعیت این است که برای کارگران نساجی مازندران راهی به غیر مراجعه نمانده است.

کارگران صدقه گیر شده‌اند

این فعال کارگری گفت: کارگران نساجی مازندران خواهان بازگشایی کارخانه، دریافت مطالبات معوقه خود و واگذاری اداره و مالکیت کارخانه به دولت هستند.

منتخب کارگران نساجی مازندران در تشریح وضعیت این کارگران گفت: حدود ۸۰۰ کارگر کارخانه نساجی مازندران ۲۸ ماه حقوق و مزایای معوقه طلبکار هستند، خوشبختانه برخی از این کارگران به موقع بازنشسته شده‌اند و تنها بابت سنوات و حقوق پرداخت نشده طلبکار هستند اما سایر کارگران که آن‌ها نیز بابت حقوق معوقه از کارفرما طلبکار هستند، نه می‌توانند به کار خود ادامه دهند و نه می‌توانند بازنشسته شوند.

وی ادامه داد نتیجه این وضعیت باعث شده تا برای خانواده‌های کارگران نساجی مازندران گرفتاری‌های متعدد اقتصادی-اجتماعی رخ بدهد.

به گفته کارگران نساجی مازندران هم اکنون مسئله تامین معاش انقدر برای آن‌ها و همکارانشان مهم و حیاتی است که به دنبال تعطیلی کارخانه، برخی از کارگران مجبور شده‌اند تا از محل وجوهات شرعی اقوام و خویشان خود مانند صدقه و کفاره گذران زندگی کنند.

کارگران مدیریت دولتی را ترجیح می‌دهند

این کارگران در جریان تجمعات اخیر خود علاوه بر آنکه خواستار بازگشایی کارخانه و پرداخت مطالبات قانونی خود شده‌اند، موضع خلع ید کارفرمای خارجی را نیز خواستار شده‌اند.

نصر الله در یابیگی دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران نیز که از قبل در جریان مشکلات کارگران کارخانه نساجی مازندران قرار دارد به خبرنگار ایلنا گفت: بهتر است مسئولان هرچه زودتر مطالبات قانونی کارگران این کارخانه را برآورده کنند.

وی بایادآوری اینکه کارخانه نساجی مازندران زمانی سنبل توسعه و پیشرفت استان مازندران تلقی می‌شد گفت: در سالهای قبل از انقلاب فعالیت این کارخانه آنقدر رونق داشت که حداقل ۶ هزار کارگران در نقاط مختلف مازندران برای این کارخانه کار می‌کردند.

این فعال کارگری با بیان اینکه بعد از انقلاب در نتیجه اشتباه مدیران دولتی این کارخانه به مرور دچار بحران شد گفت: هرچند وضع امروز نتیجه ناکارآمدی مدیران دولتی است اما چون برای کارگران نساجی مازندران بی‌کفایتی سرمایه گذار خارجی محرض شده است کارگران نظارت دولت را بر وضعیت کنونی ترجیح می‌دهند.

حدود سه سال پیش کارخانه نساجی مازندران از سوی دولت به یک سرمایه گذار خارجی که داری تابعیت کشور ترکیه بود واگذار شد، با وجود آنکه این سرمایه گذار نوسازی کارخانه و افزایش فرصتهای شغلی از جمله تعهدات کارفرمای جدید بود اما در نهایت این کارخانه تعطیل و کارگران آن بدون دریافت مطالبات معوقه خود بیکار شدند.

کارگران نساجی مازندران به استناد اسناد موجود می‌گویند: کارخانه در شرایطی تعطیل شده است که بانک ملی بابت خرید ماشین‌آلات جدید و مدرن تسهیلاتی ارزی میلیاردی در اختیار مالک جدید قرار داده است.

گزارش تصویری از محل اقامت کارگران نساجی در تهران



ILNA

Photo:Houshang hadi

Iranian Labour News Agency



ILNA

Photo:Houshang Hadi Iranian Labour News Agency



ILNA

Photo:Houshang hadi

Iranian Labour News Agency



ILNA

Photo:Houshang hadi

Iranian Labour News Agency



ILNA

Photo:Houshang hadi

ILNA

Iranian Labour News Agency



ILNA

Photo:Houshang hadi

Iranian Labour News Agency



Photo:Houshang hadi

Iranian Labour News Agency



Photo:Houshang hadi

Iranian Labour News Agency



ILNA

Photo:Houshang hadi

Iranian Labour News Agency

پایان پیام

<http://www.ilna.ir>
دویچه وله فارسی / اقتصاد

یادداشت

<http://etehadbinalmelali.com/blog>

همکاری با وبلاگ:

بارسال اخبار و گزارشات کارگری، مارا برای انتشار هرچه کاملتر، منظمتر و وسیعتر اخبار و گزارشات کارگری ایران و جهان یاری نمایند.

دریافت روزانه اخبار و گزارشات کارگری:

اگر مایل به دریافت روزانه اخبار و گزارشات کارگری هستید آدرس الکترونیکی خود را از طریق وبلاگ برای ما ارسال نمایند.

وبلاگ اخبار و گزارشات کارگری ۲- فروردین ماه ۱۳۹۲

جنگ بر سر حداقل مزد تازه آغاز شده است

بیش از ۱۰ ماه است که طومار سی هزار امضاء اعتراضی، مطالباتی کارگران به بستری مهم برای فریاد حق طلبی طبقه کارگر از مسئولین حکومتی تبدیل شده است به شماره نامه‌های ۸۳۸۸۱-۲۵/۵/۹۱، ۱۶/۷/۹۱-۱۰۲۰۸۸ و ۱۵۸۷۴۰-۵/۱۰/۹۱.

هر یک ده هزار امضاء در ماههای خرداد، مهر و آذر تحویل وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی و رونوشت آن‌ها به مجلس و دفتر ریاست جمهوری داده شد. در این طومار بر مطالبات عاجل میلیون‌ها کارگر در سراسر کشور از قبیل لغو قراردادهای موقت، برچیده شدن شرکت‌های پیمانکاری، به سرانجام رسیدن بیمه کارگران ساختمانی، پرداخت حقوق‌های معوقه، اجرای قوانین کارهای سخت و زیان آور، تعیین حداقل مزد بر اساس ماده ۴۱ قانون کار با شرکت و دخالت مستقیم نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگران، حقوق بازنشستگان و توقف اصلاح قانون کار بر مبنای پیش نویس لایحه ضدکارگری دولت و...، به صورت مشخص تاکید شده است.

بدون شک این طومار به عنوان یک قدم اولیه بستر مناسبی برای پیشبرد مطالبات میلیون‌ها کارگر در سراسر کشور بود. میلیون‌ها کارگری که تا آنجا که به طرح و پیشبرد مطالبات سراسری کارگران مربوط می‌شود سالهاست هیچگونه وسیله و ابزاری برای ابراز وجود و بیان مشکلات و دردهای مشترک خود نداشتند. در این میان سی هزار کارگر با اسم و رسم و ذکر نام محل کار خود سندی را امضاء کردند که بیانگر بخشی از اعتراضات و مطالبات آنان بود. این سند بخشی از هویت آشکار مبارزه طبقاتی در ایران است و در آن امید به آینده و تغییر با امضاء هر یک از این سی هزار نفر کارگر تبلور عینی یافته است. فریاد رسای سی هزار انسان، سی هزار کارگر به وسط صحنه عمل اجتماعی کشانده شد و آنان با صدای رسایی اعلام کردند ما زنده‌ایم، ما کار می‌کنیم و شادی و رفاه می‌خواهیم. ما باید از حق زندگی انسانی برخوردار باشیم.

همان‌گونه که کارگران طومار اعتراضی مطالباتی با تکیه بر همبستگی کارگران با انتشار مراحل سه گانه ده هزار امضاء که در اکثر رسانه‌های خبری، مطبوعات و سایت‌ها انعکاس یافت خواسته‌های خود را که به صورت حل نشده‌ای بر روی میز دولت و مجلس و مسئولین بود به موضوع روز جامعه بدل کردند و این خود گام اول موفقیت کارگران بود. همان‌گونه که کارگران بر خواسته‌های کارگران در تحصن ۲۸ آذر ماه خود در مقابل مجلس شورای اسلامی پافشاری کردند و در مذاکرات و کشمکشهای خود با نایب رئیس مجلس، رئیس کمیسیون اقتصادی، وزیر کار، استانداری تهران، دفتر پیگیری وزارت اطلاعات و معاون روابط کار وزارت کار بدون اینکه یک میلیمتر از مطالبات کارگران عدول کنند پاسخگویی و حل مسائل معیشتی کارگران را بر روی میز آنان گذاشتند. استدلال ما روشن و شفاف بود. هدف ما دستیابی به مطالبات خود و بهبود شرایط معیشتیمان بود اما این حرکت در عین حال در بطن خود می‌تواند به عالیترین اشکال بروز حرکت‌های متحدانه کارگری نیز تبدیل بشود شاید به همین دلیل هم بود که یکی از اتهامات همان‌گونه که کارگران از سوی مامورین امنیتی چسباندن سی هزار کارگر به همدیگر عنوان شد. اینک اگر حتی استانداری تهران مجوز تجمع ما کارگران معترض را صادر نکند و یا هرگونه تجمعی اعتراضی حول مطالبات مطرح شده در طومار اعتراضی ممنوع شود هرگز ذره‌ای از حق خواهی خود کوتاه نخواهیم آمد و هر گونه هزینه‌ای را نیز برای این حق خواهی خواهیم پرداخت. بر این اساس و در سال پیش رو اولویت اصلی ما تعیین حداقل مزدی است که حق حیات ما را به رسمیت بشناسد و بر اساس مولفه‌های زیر در حداقل مزد مصوب شورای عالی کار تجدید نظری فوری و اساسی صورت بگیرد:

- ۱- طبق ماده ۴۱ قانون کار تعیین حداقل مزد می‌باید متناسب با نرخ تورم و مهمتر از آن بر اساس تامین سبد هزینه یک خانوار چهار نفره تعیین شود بطوریکه یک خانواده چهار نفره از یک زندگی شرافتمندانه‌ای برخوردار شود.
- ۲- چون نرخ واقعی تورم اعلام نمی‌شود لذا طبق واقعیات موجود و بر اساس سبد هزینه ۳۹ قلم کالای اساسی زندگی، حداقل مزد یک کارگر می‌باید بالای ۱/۵۰۰/۰۰۰ باشد تا یک خانوار کارگری قادر به ادامه حیات باشد.

۳- افزایش حقوق کارگران بالاتر از ۱/۵۰۰/۰۰۰ چیزی حدود ۷ تا ۹٪ درصد هزینه‌های تولید را شامل می‌شود و این مبلغ برای یک خانواده کارگری نه تنها مصرف می‌شود بلکه کم هم می‌آید از این رو بر خلاف ادعاهای واهی موجود مطلقاً تأثیری بر افزایش قیمت‌ها نخواهد گذاشت

۴- براساس طرح آزاد سازی قیمت‌ها (هدفمندی یارانه‌ها) همه اقلام زندگی از خوراک و پوشاک تا مسکن و لوازم خانگی و دارو و درمان و... تا چندین برابر افزایش قیمت داشته‌اند نتیجتاً این یک امر بدیهی است که حداقل مزد کارگران نیز همچون قیمت سایر کالاها واقعی شود.

بر اساس گزارش‌های رسمی منتشر شده اکنون هزینه‌های زندگی بیش از چهار برابر حداقل مزد می‌باشد. بدون تردید نرخی که در شورای عالی کار (۲۵ درصد افزایش حداقل مزد) تعیین شده با ساز و کار و شاخص‌هایی که در ماده ۴۱ آمده است مغایرت بسیار فاحشی دارد و این اعلام جنگی آشکار بر علیه طبقه کارگر ایران است. حداقل حقوق ۴۸۷ هزار تومانی هیچگونه توجیه قانونی، عقلانی، اخلاقی و انسانی ندارد و با هیچ استاندارد و شاخص اجتماعی و اقتصادی مطابقت ندارد. تصویب چنین میزانی از حداقل مزد آنهم در شرایطی که سی هزار کارگر خواهان افزایش چندین برابری حداقل مزد بودند، اگرچه ماهیت ضد کارگری جناحهای حاکم سرمایه داری در ایران از سال‌ها قبل برای کارگران آشکار بود اما همه عوام فریبی‌های تشکل‌های ضد کارگری و دست ساخته دولتی و جناحهای مختلف و به ظاهر متضاد حکومتی را به مضحک‌ترین شکلی بیش از پیش آشکار کرد. دولت و کارفرمایان با اعلام ۴۸۷ هزار تومانی حداقل مزد ما را به لبه پرتگاه دره‌ای از گرسنگی و مرگ و فلاکت عقب راندند و اکنون دیگر جایی برای ذره‌ای تمکین و عقب نشینی باقی نمانده است.

برای ما کارگران پرونده تعیین حداقل مزد سال ۱۳۹۲ نه تنها مختومه نشده بلکه جنگ بر سر حداقل مزد تازه آغاز شده است و ما برای لغو این مصوبه و تعیین حداقل دستمزدی که حق حیات، آبرو و شرافتمان را تضمین کند خواهیم جنگید. شاپور احسانی راد از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران و عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران- دوم فروردین ماه ۱۳۹۲

akhbarkargari246@gmail.com

جای کارگران در زندان نیست!

کارگران و مردم آزادیخواه!

اخیراً دور تازه‌ای از احضار، بازداشت و زندانی کردن کارگران و فعالین کارگری تشدید شده است. ۷ تن از فعالین کارگری به نامهای خالد حسینی، وفا قادری، علی آزادی، غالب حسینی، بهزاد فرج الهی و حامد محمود نژاد از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری و شریف ساعدپناه عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران دستگیر و زندانی شده‌اند و تعدادی دیگر از فعالین کارگری تهدید یا احضار شده‌اند. این تهدید و ارعاب و دستگیری‌ها در حالی است که محمد جراحی، فریبرز رئیس دانا، شاهرخ زمانی، پدram نصرالهی، رسول بداعی، عبدالرضا قنبری و بسیاری دیگر از فعالین کارگری و سیاسی همچنان در زندان به سر می‌برند.

فعالین کارگری در شرایطی بازداشت و محاکمه می‌شوند که قشر فرودست و زحمتکش از نظر درآمد در شرایط اسفباری به سر می‌برند و هر روزی که می‌گذرد قدرت خرید طبقه کارگر پائین می‌آید و امید به زندگی را از دست می‌دهند. در چنین شرایطی کارگران و فعالین کارگری برای دفاع از مطالبات و حقوق از دست رفته خود راهی جز ایجاد تشکل مستقل کارگری ندارند. آیا سزاوار است کارگران و فعالین کارگری که چرخ اقتصاد کشور را به چرخش در می‌آورند در آستانه عید نوروز به خاطر حق خواهی و درخواست یک زندگی شرافتمندانه زندانی شوند و خانواده و فرزندان این زحمتکشان را چشم انتظار گذاشت؟ جای این زحمتکشان در زندان نیست بلکه آن‌ها باید در آستانه عید نوروز در کنار خانواده، همکاران و هم طبقه‌ای‌های خود قرار بگیرند. من و هم طبقه‌ای‌هایم برای دفاع از کارگران زندانی ساکت نخواهیم نشست و بازداشت و زندانی و محکوم کردن کارگران را محکوم می‌کنیم.

کارگران، تشکل‌های کارگری و نهادهای اجتماعی و حقوق بشری داخلی و خارجی!

از شما می‌خواهم نسبت به سرنوشت کارگران زندانی بی‌تفاوت نباشید و از هر طریق ممکن به ادامه بازداشت آن‌ها اعتراض و خواستاری آزادی همه کارگران زندانی باشند.

رضا شهبانی

عضو هیات مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۹ اسفند ۱۳۹۱

عیدی روزنامه دولت به کارکنان خود:

بیکاری در شب عید!

ناشر روزنامه ایران متعلق به ایرنا در حالی ۱۳۰ نفر از نیروهای خود را تعدیل کرده است که ایرنا، در اطلاعیه‌ای که ۲۸ اسفند در روزنامه ایران چاپ شده، فراخوان استخدام داده است. نکته تأمل برانگیز که این آگهی، در آخرین روز کاری سال ۹۱ منتشر شده و مهلت ثبت نام در آن، ۱۵ فروردین ۹۲، یعنی پایان تعطیلات است (!)

به گزارش عصر ایران، موسسه فرهنگی مطبوعاتی «ایران» ناشر روزنامه‌های ایران، ایرنا دیلی، ایران ورزشی و... دیروز یکشنبه بدون اطلاع قبلی ۱۳۰ نفر از کارکنان خود را به بهانه نیروی مازاد بودن، تعدیل و از تمدید قرارداد با آن‌ها خودداری کرده است.

این افراد که بخش زیادی از آن‌ها دارای سابقه کار تا ۱۲ سال هستند شامل تمدید قرارداد نشده‌اند. همچنین با وجود تکذیب مدیران موسسه و روزنامه ایران اما موضوع اخراج کارکنان این موسسه واقعیت دارد.

موسسه ایران برای جلوگیری از تبعات این اقدام خود، به بخشی از کارکنان اخراجی معرفی نامه‌هایی برای روزنامه شهروند ارائه کرده است.

در این معرفی نامه‌ها از مدیران روزنامه شهروند خواسته شده است در صورت صلاحدید، این افراد در این روزنامه مشغول کار شوند در حالی که مدیران روزنامه شهروند به صراحت به نیروهای اخراجی روزنامه ایران گفته‌اند که نیازی به نیروی جدید ندارند.

روزنامه شهروند به صاحب امتیازی جمعیت هلال احمر انتشار خود را به تازگی آغاز کرده است.

افراد تعدیل شده در موسسه ایران در بخش‌های مختلف از جمله تحریریه روزنامه‌های ایران، ایران ورزشی، ایرنا دیلی، ایران زمین، نگهبانی، حروفچینی، صفحه بندی، خدمات، فنی و مجلات جانبی فعالیت می‌کردند.

صاحب امتیاز روزنامه ایران که در سال نوزدهم انتشار خود قرار دارد خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) است.

روزنامه ایران به عنوان ارگان دولت به شمار می‌آید.

روزنامه شرق هم به نقل از یکی از کارکنان موسسه ایران، تعداد افراد اخراجی از این موسسه را ۱۳۵ نفر از اعضای تحریریه و دست‌اندرکاران فنی موسسه ایران اعلام کرد.

یکی از اعضای تحریریه روزنامه ایران با اعلام این خبر به روزنامه شرق نیز گفته است: روز یکشنبه با حضور در روزنامه قبل از ورود به تحریریه نامه‌ای به ما دادند که در آن عنوان شده قرارداد ما برای سال آینده تمدید نخواهد شد و باید تسویه حساب کنیم.

وی افزود: مدیر امور مالی خطاب به مدیرمسئول نوشته بود اگر صلاح می‌دانید ایشان را برای همکاری به روزنامه شهروند معرفی کنید. این خبرنگار تاکید کرد: در مراجعه به آقای شاکری، مدیر سایت شبکه ایران ایشان گفته‌اند روزنامه شهروند هم مال دولت است و فرقی نمی‌کند شما اینجا باشید یا در آن روزنامه.

وی ادامه داد: اما با مراجعه به روزنامه شهروند به ما گفته شد کادر ما تکمیل است و نیروی جدید استخدام نمی‌کنیم. به این ترتیب ۱۳۵ نفر در شب عید از کار خود بیکار شده‌اند. یکی دیگر از خبرنگاران این روزنامه گفته برخی از اخراجی‌ها را به سایت‌ها و نهادهای دیگر زیرمجموعه دولت ارجاع داده‌اند و به نظر می‌رسد این اتفاقات پیرو تغییر و تحولات اخیر مدیریتی در موسسه ایران است.

روزنامه ایران، متعلق به ایرنا در حالی نیروهای خود را تعدیل کرده که ایرنا، در اطلاعیه‌ای که امروز در روزنامه ایران چاپ شده، فراخوان استخدام داده است.

نکته تأمل برانگیز که این آگهی، در آخرین روز کاری سال ۹۱ منتشر شده و مهلت ثبت نام در آن، ۱۵ فروردین ۹۲، یعنی پایان تعطیلات است (!)

بیست و نهم اسفندماه ۱۳۹۱

سرطان در کمین کارکنان زن در شیفت شب

محققان در جدیدترین تحقیقات خود هشدار دادند که کار در شب ممکن است زنان را به سرطان مبتلا سازد.

به گزارش ۲۶ اسفند فارس به نقل از پایگاه خبری هلتدی نیوز آمریکا، تحقیقات جدید نشان داد: زنانی که در شیفت شب کار می‌کنند ممکن است با خطر ابتلا به سرطان تخمدان روبه‌رو شوند.

این تحقیقات در مورد تخمدان پیشرفته در ۳۹۰ نفر افراد مبتلا در مرز این بیماری و بیش از ۱۸۰۰ زن بدون سرطان تخمدان انجام گرفت.

این زنان ۳۵ تا ۷۴ ساله بودند که در زمینه مراقبتهای بهداشتی، خدمات غذا و اداری مشغول به کار بوده‌اند. یافته‌ها نشان داد: نزدیک به ۲۷ درصد از زنان مبتلا به سرطان مهاجم که در شب کار می‌کردند با حدود ۳۲ درصد از افراد در مرز بیماری و در حدود ۲۲ درصد از افرادی که فاقد سرطان تخمدان بودند با هم مقایسه شدند. با توجه به این تحقیقات، کار شیفت شب با افزایش ۲۴ درصدی خطر ابتلا به سرطان پیشرفته و ۴۹ درصدی افزایش خطر ابتلا به سرطان اولیه همراه است.

این تحقیقات در ۱۴ ماه مارس در «مجله آکیوپیشینال اند اینوایرمنتال» (Occupational and Environmental Medicine) منتشر شد.

این تحقیقات همچنین نشان داد: فقط زنان ۵۰ ساله‌ای که در شیفت شب کار می‌کردند به طور قابل توجهی به سرطان تخمدان مبتلا بودند.

بر اساس این تحقیقات، افزایش خطر ابتلا به سرطان در زنانی که در شیفت شب کار می‌کنند، می‌تواند با هورمون ملاتونین همراه باشد.

هورمون ملاتونین تنظیم کننده هورمون‌های تناسلی، به ویژه استروژن است و به طور معمول در شب تولید می‌شود اما توسط نور سرکوب می‌شود.

تولید ملاتونین در بدن، در شب ۱۰ برابر میزان آن در روز است و این هورمون در کنار وظایف دیگر، فعالیت‌های بدن هنگام خواب را تنظیم می‌کند و به جهت ارتباط ترشح آن با نور، به تنظیم خواب و بیداری کمک می‌کند.

میزان ملاتونین در بدن انسان در روزهای زمستان که تابش نور صرفاً چند ساعت است، افزایش می‌یابد. خستگی و احساس خواب، افسردگی زمستانی و ناراحتی‌های هنگام خواب می‌تواند از نتایج فصل زمستان باشد، بدین خاطر پیاده روی در روزهای این فصل توصیه می‌شود.

پایین بودن مقدار ملاتونین در بدن می‌تواند باعث بی‌خوابی شود. بدن با افزایش سن، ملاتونین کمتری تولید می‌کند که در نتیجه مدت خواب به طور میانگین کاهش یافته و باعث بی‌خوابی می‌شود.

حتی کارهای شیفتی و سفرهای دور نیز می‌تواند بر مقدار ملاتونین در بدن به خاطر تغییر ساعات خواب و بیداری تأثیر منفی داشته باشد. ملاتونین یک هورمون مهم، محافظ و یک آنتی اکسیدان قوی است.

پژوهش‌های قبلی نشان داده است که شیفت شب کار ممکن است با افزایش خطر ابتلا به سرطان پستان در ارتباط باشد. با وجود اینکه این تحقیقات ارتباط بین شیفت شب کار و افزایش خطر ابتلا به سرطان تخمدان را نشان داده است اما یک رابطه علت و معلولی را ثابت نمی‌کند.

توزیع فرم بازگشت به پیمانکاری بین کارگران تبدیل وضعیت شده

کم نیستند طرح‌هایی از دولت کنونی که با ایجاد موج‌های روانی و تبلیغات پر سروصدا و با شعار حمایت از طبقات مستضعف و ضعیف جامعه کلید خوردند ولی پس از اجرا و رسیدن به مراحل بازده‌ای مشخص شد که تنها هدف دولت از اجرای این برنامه‌ها، اهداف تبلیغاتی و روانی بوده است. یکی از این نمونه طرح‌ها، تبدیل وضعیت نیروهای پیمانکاری به قراردادی در دستگاه‌های دولتی بود که در ظاهر با هدف کمک به کارگران صورت گرفت ولی اکنون خلاف آن در حال اثبات شدن است.

طرح تبدیل وضعیت کارگران و کارمندی که از طریق پیمانکاران نیروهای انسانی در دستگاه‌های دولتی مشغول به کار بودند مصوبه‌ای بود که در پایان سال گذشته به تصویب هیئت وزیران رسید و با این مصوبه به کارگیری نیروی انسانی از طریق پیمانکاران تامین نیرو برای دستگاه‌های دولتی ممنوع شد و این دستگاه‌ها موظف شدند تا به صورت مستقیم با نیروهای خود قرارداد منعقد نمایند. اتفاقی که تنها در بعضی از دستگاه‌ها و آن هم به طور ناقص انجام شد. در هر برنامه با همه ضعف‌ها و نواقصی که داشت به اجرا درآمد و افرادی که شانس قراردادی شدن را با هر ضابطه و یا رابطه‌ای داشتند تبدیل وضعیت شدند با امید به اینکه حقوقشان بیشتر خواهد شد و به طبع آن مزایایی را نیز دریافت خواهند کرد تا در آینده‌ای نزدیک نیز طعم خوش رسمی شدن را نیز بچشند اما گویی روند اجرای این مصوبه از سوی دولت از پیش طراحی شده بود و با گذشت یک سال از اجرای آن دلیل عدم اجرای آن از سوی دولت‌های قبلی به وضوح قابل فهم شده است.

این گروه از کارکنان دولت از زمان قراردادی شدن نسبت به وضعیت قبلی خود در طول این یک سال حقوق کمتری دریافت می‌کردند و هیچ‌گونه مزایایی به واسطه قراردادی شدن به آن‌ها پرداخت نمی‌شد و در زمان پرداخت عیدی و پاداش به جای پرداخت حداقل دو پایه حقوق بر اساس قانون کار با آن‌ها مشابه کارکنان رسمی و با تابعیت از قانون خدمات کشوری برخورد شد و ۴۰۲.۵۰۰ تومان عیدی دریافت کردند! برابر ماده واحده نحوه پرداخت عیدی و پاداش به کارکنان دولت مصوب ۲۰/۱۰/۷۴ و دادنامه شماره ۴۲۸-۴۲۹ مورخ ۰۵/۱۰/۹۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری میزان عیدی و پاداش پایان سال تمامی کارکنان دستگاه‌های دولتی یکسان و برابر مصوبه اعلامی دولت در پایان

هر سال می‌باشد که در واقع با ضرب نمودن پایه سنواتی هر سال در ضریب ثابتی به دست می‌آید ولی با توجه به اینکه کارکنان و بخصوص کارگران شاغل در این دستگاه‌ها بر اساس قانون کار حقوق دریافت می‌نمایند منع قانونی برای پرداخت دو پایه حقوق به عنوان عیدی و پاداش به این گروه وجود ندارد ولی دستگاه‌های دولتی از ماده واحده گفته شده استفاده کردند که جفا در حق آنهاست که حقوق کارگری باشد و عیدی و پاداش که یکی از جمله معهود امتیازات کارگری بر کارمندی است را شبیه کارمندان رسمی دریافت نمایند. اما چرا این طرح را باید از سوی دولت یک طرح برنامه ریزی شده دانست؟!

پس از این اتفاق دستگاه‌های مجری این طرح با ارسال بخش نامه‌هایی به ادارات تابعه خود فرم‌هایی را توزیع کردند که از آن‌ها خواسته شده در صورتی که این دسته از کارکنان از قراردادی شدن پشیمان شده‌اند برای بازگشتن به همان شکل پیمانکاری این فرم‌ها را پر نمایند. این حرکت در واقع نیت واقعی را از برنامه قراردادی کردن نشان می‌دهد در حالی که دولت می‌توانست نسبت به تغییر نوع پرداخت حقوق و مزایا به کارگران اقدام کنند این افراد که تنها درآمدهای همین حقوق حداقلی است را برسر دو راهی پذیرش این وضعیت حقوقی و یا نیروی پیمانکار شدن قرار داده‌اند.

منبع: خوزنیوز ۲۷-اسفند

رکورد شکنی نرخ تورم پس از ۱۶ سال

مروری بر آمارهای بانک مرکزی در سالی که گذشت حکایت از رکورد شکنی نرخ تورم پس از ۱۶ سال دارد. گرانی‌ها در سال ۱۳۹۱ از همان روزهای نخست آغاز شد. موضوعی که معاون توسعه بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت آن را به صراحت در اردیبهشت ۱۳۹۱ اعلام کرد: «قطعا گرانی وجود دارد اما باید میان گرانی و گران فروشی مرز بندی کرد.» اگر چه ضیغمی در میانه‌های سال ۱۳۹۱ از وزارت صنعت، معدن و تجارت رفت اما اینکه باید میان «گرانی» و «گرانفروشی» مرز بندی کرد موضوعی بود که به دفعات از سوی مسئولان اقتصادی و فعالان صنفی مورد تاکید قرار گرفت. آن‌ها در حالی بر این مساله تاکید داشتند که موضوع «گرانی» بیش از «گران فروش» مشهود بود به طوریکه در سال ۱۳۹۱ نرخ تورم میانگین اقتصاد ایران از ۸.۲۱ درصد برای فروردین شروع شد و به طور حدودی ۱۰ درصد افزایش پیدا کرد. بر همین اساس در روزهای پایانی سالی که گذشت نرخ تورم برای اسفند فراتر از ۳۱ درصد برآورد شد. رسیدن نرخ تورم میانگین به سطحی بالاتر از ۳۱ درصد از آبان سال ۱۳۷۵ به بعد سابقه نداشته است و بنابراین می‌توان گفت تورم در سال ۱۳۹۱ رکورد شکنی کرد. نرخ تورم میانگین در اقتصاد ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی فقط از آبان ۱۳۷۳ تا آبان ۱۳۷۵ رقمی فراتر از ۳۰ درصد را به ثبت رسانده بود و دیگر تا سال ۱۳۹۱ خودش را تکرار نکرده بود.

«تورم» در حالی در سال ۱۳۹۱ رکورد زنی کرد که محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی، در روزهای ابتدایی اسفند به صراحت اعلام کرد نرخ تورم می‌توانست رقمی بیش از آنچه هست، باشد و این سیاست‌های بانک مرکزی بوده که نرخ تورم را در سطح ۳۱ درصد کنترل کرده است. به گفته رئیس کل بانک مرکزی، اگر اقدامات کنترلی بانک مرکزی در مدیریت عوامل شتاب دهنده تورم انجام نمی‌شد، نرخ تورم می‌توانست ۱۴ واحد درصد از نرخ کنونی بیشتر باشد. رییس کل بانک مرکزی در شرایطی اینگونه در رابطه کنترل نرخ تورم سخن گفت که روند افزایشی نرخ تورم تقریباً از مرداد سال ۱۳۸۹ آغاز شده بود. درست زمانی که تب و تاب اجرایی شدن قانون هدفمندی یارانه‌ها در جامعه افتاده بود و حتی برخی کارشناسان خبر از تورم ۵۰ درصدی پس از اجرایی شدن هدفمندی یارانه‌ها دادند. در مرداد ۱۳۸۹ نرخ تورم میانگین معادل ۸.۸ درصد گزارش شد و در پایان سال ۱۳۸۹ نرخ تورم به رقم ۴.۱۲ درصد رسید. گفتنی است نرخ تورم در اسفند ۱۳۹۰ نیز رقم ۵.۲۱ درصدی را ثبت کرد.

جدال بر سر اعلام نرخ تورم

از رقم‌های مربوط به نرخ تورم در سال ۱۳۹۱ که گذر کنیم نکته قابل توجه دیگر درباره تورم در سال گذشته این است که اعلام نرخ تورم به محل نزاع میان بانک مرکزی و مرکز آمار ایران تبدیل شد. جدال دیرین بانک مرکزی و مرکز آمار در خصوص مرجع رسمی و صاحب صلاحیت برای اعلام نرخ، از خبرهایی بود که در این سال چندین بار در رسانه‌ها مطرح شد. اوج یکی از این مجادلات به آنجایی مربوط شد که رئیس مرکز آمار کشور از اعلام انحصاری نرخ تورم در سال بعد از سوی این مرکز و پایان مرجعیت بانک مرکزی در اعلام نرخ تورم از سال ۱۳۹۲ خبر داده بود. امری که البته با مخالفت مسوولان بانک مرکزی مواجه شده بود. رییس کل بانک مرکزی در گفت‌وگویی که با خبرنگاران در سال ۱۳۹۱ داشت در همین رابطه گفت: «مرکز آمار نرخ تورم را اعلام کند. ما هم اعلام می‌کنیم. وظیفه بانک مرکزی است. البته تفاوتی که در آمار ارائه شده مشاهده می‌شود به سال پایه بر می‌گردد.»

منبع: خبرآنلاین-اول فروردین

رنج نامه کوتاه یک کارگر

دوش دیوانه شدم عشق مرا دید و بگفت
گفتم ای عشق من از چیز دگر می ترسم
آدم نعره مزن جامه مدر هیچ مگو
گفت آن چیز دگر نیست دگر هیچ مگو

کودک من

کارگر کودک دارد! کارگر نان ندارد! کودک از خواب برخاست؛ من نان می خواهم؛ پدر گفت: اندکی صبر کن باید زمین را شخم بزنی؛ بذرافشانی کن آبیاری کن بعد از آن گندمها را درو کن آسیاب کنم آرد کنم تا برای تو نان درست کنم.

کودک از خواب برخاست؛ من نان می خواهم؛ پدر گفت: اندکی صبر کن زمین آماده است حال باید بذرافشانی کن آبیاری کن بعد از آن گندمها را درو کن آسیاب کنم آرد کنم تا برای تو نان درست کنم.

کودک از خواب برخاست؛ من نان می خواهم؛ پدر گفت: اندکی صبر کن زمین را شخم زدم بذرافشانی کردم حال باید آبیاری کن بعد از آن گندمها را درو کن آسیاب کنم آرد کنم تا برای تو نان درست کنم.

کودک از خواب برخاست؛ من نان می خواهم؛ پدر گفت: اندکی صبر کن باید گندمها را...

پدر با شادی تمام فریاد زد:
فرزند عزیزم حال برخیز.... زمین را شخم زدم. بذرافشانی کردم؛ آبیاری کردم گندمها را درو کردم آسیاب کردم آرد کردم... نان حاضر است.
کودک از خواب برخواست؛

شخم زدن زمین ثواب دارد؛ بذرافشانی زمین ثواب دارد؛ آبیاری زمین ثواب دارد؛ کاشتن گندم ثواب دارد... درست کردن نان ثواب دارد...

کارگر ثواب دارد.... اما کارگر دیگر کودک ندارد!!!

این داستان زندگی امروز کارگر است
قاسم دبیری عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران

[تاریخ مطلب: چهارم فروردین ۱۳۹۲ برابر با بیست و چهارم مارس ۲۰۱۳]

من شمع رسوا نیستم تا گریه در محفل کنم

عید نوروز فرا می رسد:

چشمان مضطرب کودک به در دوخته شده، پدر از راه می رسد خسته و درمانده، خشم سراپای وجود کودک را فرا گرفته و نهیب پر سوز او وجود پدر را نشانه رفته است.... در دستان پدر چیزی وجود ندارد.... مجری تلویزیون با لبخند ادامه می دهد، امام علی می فرماید: عید ما روزیست که در آن گناه نکرده باشیم.
پدر مات و مبهوت است بالاخره تصمیم خود را می گیرد - پیش تر هم به آن فکر کرده بود - اطراف خیابان ناصر خسرو تهران قدم می زند. به او می گویند به دنبال اعلامیه های نصب شده بر در و دیوارها باشد، اما پیش تر بهتر است گزارشی از (کلیه) خود را از طرف پزشک در دست داشته باشد در این صورت راحت تر می تواند برای فروش کلیه خود اقدام کند!!! هر کلیه بین پنج تا شش میلیون تومان معامله می شود.
رویداد ذکر شده کاملاً واقعی و شرحی که گذشت مربوط به یکی از کارگران شرکت ایرانی می باشد.
البته در شرایطی که همه کارگران در فقر و ناداری زندگی می کنند این بار نیز حمیت و غیرت کارگران دست به دست داده و مقدار پولی تهیه و در اختیار این کارگر عزیز گذارده شد تا چشمان بی رمق کودک خردسال در دستان پدر هدایای نوروزی ببیند. در مورد این کارگر کلیه فروشی به تعویق افتاد!!!

دردا که این معما شرح و بیان ندارد.

آنانکه احادیث معنوی بر پرده نمایش ریا و تزویر خود نگارش می کنند، پرده رنگینی از نام و رسم کارگر تصویر می کنند و شعر شرمندگی کارگر بی نوا در برابر فرزند خرد سال را پشت پرده بی حمیتی خود جا ساز می کنند، نمی دانند و یا نمی خواهند بفهمنند کارگر ضجه کودک بی نواست، کارگر تابلوی دستان پینه بسته است، شعری از قلب پر کینه، شعری از زنجیر سنگین استثمار و شعری از خشم و خروش شعری از غارتگران پر مدعاست. فرصت طلبان بی درد سرود رهایی را به نام کارگر خواندند. جسمها را از زنجیر آزاد کردند و در ازای آن روحها را به زنجیر کشیدند. و البته با صدای بلند و برای فریبکاری دغدغه درد و محرومیت کارگر را سر دادند.

زور آزمایی و ارایه چهره خشن پلیسی در برابر بازوان خسته اما شرافتمندانه کارگر تحت هر نام و عنوانی حاکی از زبونی و بی‌حمیتی عوامل بی‌دردی است که عامل بقای خود را در خطاطی نام کارگر می‌بینند. در حالی که امروز در شرایط سخت اقتصادی چرایی اعمال فشار بر توده زحمتکش کارگری هیچ توجیه و ادله قابل قبولی ندارد. در عید سعید نوروز آزادی کلیه کارگران زندانی را فریاد می‌داریم. زود خواهد بود که ببینند عوامل بی‌درد که خشم آتشین کارگر، هراسی عظیم در تاروپود آنان اندازد. مزدگانی که گل از گنجه برون می‌آید. باشد که کارگران به موجی عظیم برای نابودی علفهای هرز کشورمان تبدیل شوند. آنروز دیر نیست... کارگران برای روز موعود لحظه شماری می‌کنند. به زودی تمام جهانیان صدای آن را خواهند شنید. قاسم دبیری - عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران

سال ۱۳۹۱ و الگوی اعتراض‌های کارگری

سعید شفیعی

سال ۱۳۹۱ را می‌توان به درستی سال اعتراض‌های کارگری نامید. نتیجه سالی که به عنوان سال «تولید ملی» نامگذاری شد، سالی استثنایی از حیث شمار اعتراض‌های کارگری بود. مجموع طومارها، اعتصاب‌ها و تجمع‌های کارگران در این سال وسیع‌تر از مجموع اعتراض‌های آن‌ها در سه دهه گذشته بوده است.

بهار سال ۹۱ برای کارگران آغاز سرد و شوک‌آوری داشت. اگرچه کارگران شهاب خودرو اولین کسانی بودند که با این شوک مواجه شدند، اما مخاطب آن، کل جامعه کارگری و بخش تولید بود و از سالی سخت برای کارگران خبر می‌داد.

با اینکه از نامگذاری هر سال با عناوین مختلف توسط آیت‌الله خامنه‌ای چندسالی می‌گذرد و همواره نیز با طنزهای بسیاری همراه بوده است، اما نامگذاری سال ۹۱ به عنوان «سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه» نه تنها از همان آغاز با طنزهای بیشتر و تلخ‌تری همراه بود و در اسام‌ها میان مردم رد و بدل می‌شد و گویای سال ورشکستگی اقتصادی بود، بلکه با سیلی از اخراج کارگران، تعطیل شدن کارخانه‌ها، به تعویق افتادن حقوق ماهیانه کارگران و گسترده‌تر از همه تشدید تورم و بی‌ارزش شدن روزانه دستمزدهای کارگران همراه شد.

فشار اقتصادی که خود را با اخراج کارگران، به تعویق افتادن حقوق و در نتیجه کاهش ارزش دستمزدها نشان می‌داد، گسست‌های مهمی در پیله محافظه‌کاری کارگران ایجاد کرد؛ محافظه‌کاری‌ای که ناشی از ترس از دست دادن حداقل‌های معیشتی کارگران بوده است و هنوز هم هست. این ترک‌ها و گسست‌ها فضای مناسبی برای فعالیت سندیکاها و فعالان حقوق کارگری ایجاد کرد که خود را در فعالیت‌های صنفی کارگران در یک سال اخیر به خوبی نشان می‌دهد. مجموعه‌ای از سایت‌ها، جلسات کارگری برای تشکیل سندیکاها، تشکیل گروه‌هایی برای پیگیری طومارهای اعتراضی و فعالیت‌هایی از این دست همگی آثار تب و تاب است که امیدوار به شکستن سکوت و رضایت این طبقه از جامعه و آغاز فعالیت‌های سازماندهی شده آنهاست.

نگاهی به مهم‌ترین فعالیت‌های اعتراضی کارگران در سال جاری، شناخت بیشتری از الگوهای به کار رفته در جنبش کارگری امروز ایران را به‌دست می‌دهد.

الگوی ناکامی: اعتراض‌های بی‌نتیجه

در سال ۱۳۹۱ اعتراض‌های بسیاری از کارگران در کارگاه‌ها و کارخانه‌های مختلف ناکام ماند؛ خصوصاً هنگامی که موضوع به اخراج کارگران مربوط می‌شد.

در سال گذشته، اخراج کارگران از کارخانه‌ها شدتی رو به افزایش داشت و شیوه اعتراض کارگران همچون تحصن در مقابل کارخانه، تحصن در برابر نهادهای دولتی و... تغییری در وضعیت آن‌ها ایجاد نکرد.

برجسته‌ترین نمونه در این زمینه اعتراض کارگران شهاب خودرو بود. کارگران این کارخانه سعی کردند که از خط قرمزهای سیستم مذهبی - سیاسی عدول نکنند. مخالفت خود را سیاسی نکنند و با توسل به شخصیت‌های مذهبی - تاریخی

و احترام به آیت الله خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی، امکانی برای بازگشت به کار خود بیابند، اما همه این روش‌ها منجر به نتیجه‌ای قابل قبول برای این کارگران نشد.

در سال گذشته، اخراج کارگران از کارخانه‌ها شدتی رو به افزایش داشت و شیوه اعتراض کارگران همچون تحصن در مقابل کارخانه، تحصن در برابر نهادهای دولتی و... تغییری در وضعیت آن‌ها ایجاد نکرد.

روز ۱۴ فروردین، وقتی کارگران شرکت شهاب خودرو به محل کار خود مراجعه کردند با درهای بسته روبه‌رو شدند. ۶۵۰ کارگر با سابقه هشت تا ۲۵ سال بدون هیچ توضیحی در عمل بیکار شدند. این موضوع به تجمع کارگران و خانواده‌هایشان در جلوی در کارخانه انجامید.

در ۱۵ فروردین این کارگران جلوی مجلس تجمع کردند. این تجمع در روز ۱۶ فروردین به مقابل نهاد ریاست جمهوری کشیده شد و کارگران موفق شدند با مسولان نهاد ریاست جمهوری ملاقات کنند. در ۱۹ فروردین آنها مقابل وزارت کار و تامین اجتماعی تجمع کردند. در انتها اما این اعتراض‌ها به نتیجه مشخصی نرسید.

برخی از کارگران این شرکت **وبلاگی راه انداختند** و خبر مربوط به فعالیت‌های خود را در آن منعکس کردند. آن‌ها در این وبلاگ نوشتند: «بجز یکی دوتا روزنامه و خبرگزاری کارگری هیچکس مشکلات این کارگران را انعکاس نمی‌دهد، هیچکس محکوم نمی‌شود، هیچ نهاد و سازمان بشر دوستانه‌ای هم وجود ندارد که حداقل از این‌ها حمایت معنوی بکند.» **(منبع)**

وبلاگ این کارگران نشان می‌دهد که آن‌ها سعی می‌کنند از سیاسی شدن اعتراض‌های خود جلوگیری و بر مذهبی بودن آنها تاکید کنند. وبلاگی که این کارگران راه‌اندازی کرده‌اند (البته مشخص نیست که این وبلاگ همه کارگران را نمایندگی کند) با عکسی از آیت‌الله خامنه‌ای تزئین شده و به عنوان نمونه نخواستارهایی با امام رضا در روز میلاد این امام شیبیان در آن منتشر شده است. با این حال **انتقادهایی به عباس واعظ طبسی و آستان قدس رضوی** که مالک کارخانه شهاب خودرو هست نیز در این وبلاگ دیده می‌شود.

آخرین پست وبلاگ کارگران شهاب خودرو، تاریخ ۲۳ مهر ۹۱ را دارد و بعد از این تاریخ به روز نشده است.

جست‌وجو برای یافتن سرانجام اعتراض‌های این کارگران به جایی نرسید. یعنی در عمل بعد از اعتراض‌های فروردین ماه ۹۱، دیگر خبری از این کارگران در سایت‌ها نیست، اما با استناد به وبلاگ این کارگران، **مشکل بیمه بیکاری** آن‌ها در پایان تیرماه ۹۱ حل شده است و آن‌ها به کمک هم در حال جست‌وجوی کار هستند.

الگوی پیگیری مستمر

دومین الگوی اعتراضی، توسط کارگرانی پیش گرفته شد که از کار اخراج نشده بودند، اما با تعویق حقوق‌های ماهیانه، مزایای بازنشستگی، مسئله بیمه و تعیین دستمزدهای سالیانه روبه‌رو بوده‌اند.

این دسته از کارگران با مشکلات مداوم و اعتراض‌های مداوم شناخته می‌شوند. الگویی که بر این اعتراض‌ها حاکم است، نشان می‌دهد که اعتراض‌های پیگیرانه آن‌ها منجر به نتایج کوتاه‌مدت شده است به این شکل که بعد از اعتراض‌های مستمر از هشت‌ماه حقوق معوقه به سه یا چهارماه حقوق معوقه رسیده‌اند.

این کارگران به خاطر عدم دست دادن شغل (در مقایسه با کارگران اخراجی) استعداد بیشتری برای وارد شدن به فعالیت‌های حرفه‌ای در زمینه حقوق خود را دارا بوده‌اند.

بررسی نمونه‌های برجسته این الگو هم نشان می‌دهد که آن‌ها بیشتر از دیگر کارگران در جهت فعال کردن سندیکاهای کارگری و راه‌اندازی سایت‌ها و وبلاگ‌هایی برای بیان خواسته‌های خود فعال بوده‌اند. در این الگو، اعتراض‌های کارگران صنایع فلزی و کارگران شرکت واحد از بقیه برجسته‌تر است.

۱- اعتراض‌های کارگران صنایع فلزی ایران

اعتراض‌های کارگران صنایع فلزی ایران یکی از طولانی‌ترین اعتراض‌های کارگری در سال ۹۱ بود. این کارگران ابتدا روز ۲۰ فروردین ۹۱ در اعتراض به عدم پرداخت بیش از هشت ماه حقوق و بیمه معوقه در مقابل ساختمان ریاست جمهوری تجمع کردند. آنان سپس در ۲۸ فروردین در مقابل وزارت صنایع تجمع کردند.

تا دی ماه ۹۱ بخشی از کارگران به مطالبات خود دست یافته باشند و به همین خاطر از تعداد مشارکت‌کنندگان در اعتراض‌های موجود کاسته شد، اما باز در اسفندماه کارگرانی که بار دیگر و به دلیل معوق شدن حقوقشان به این اعتراض‌ها پیوستند.

در ۲۳ مردادماه بار دیگر ۶۰۰ کارگر این کارخانه به دلیل به نتیجه نرسیدن اعتراض‌های خود در مقابل بزرگراه فتح تجمع کردند. این تجمع از ساعت‌های اولیه صبح شروع شد و در ساعت ۱۱ بدون نتیجه خاتمه یافت. در ۲۵ شهریور بار دیگر کارگران در مقابل وزارت صنایع تجمع کردند. در این تجمع یکی از مالکان کارخانه چکی را به کارگران برای پرداخت بدهی کارخانه ارائه کرد و این تجمع خاتمه یافت، اما چک دریافتی نقد نشد. بعد از این تجمع مبلغی به کارگران جهت بخشی از مطالبات آن‌ها پرداخت شد، اما همچنان پنج ماه حقوق معوقه آن‌ها پرداخت نشد.

روز ۲۲ مهرماه بار دیگر ۶۰۰ کارگر این کارخانه در مقابل وزارت کار تجمع کردند و خواهان پرداخت فوری حقوق‌های معوقه و رسیدگی به مسئله بیمه خود شدند. وزارت کار در مذاکره با کارگران پیشنهاد کرده بود که خود کارگران هفت درصد بیمه بیکاری را به جای کارفرما بدهند تا مشکل بازنشستگی تعدادی از کارگران و بیمه درمانی آن‌ها حل شود و همچنین گفته شد که دستمزدهای معوقه به وزارت صنایع مربوط است و آن‌ها کاری نمی‌توانند بکنند. به همین خاطر و پاسخگو نبودن وزارت صنایع روز بعد کارگران در مقابل استانداری تهران جمع شدند.

در ۲۳ آبان ماه کارگران در مقابل معاونت استانداری تهران تجمع کردند و مسئولان استانداری به آنان وعده دادند که حداکثر ظرف یک ماه مالکان را وادار به پرداخت سنوات کارگران خواهند کرد و خود استاندار نیز اعلام کرد که در صورت عدم پرداخت از سوی مالکان استانداری، از محل تسهیلات خود سنوات کارگران را پرداخت می‌کند. این وعده نیز تحقق نیافت.

در ششم دی ماه، ۱۸۰ کارگر در مقابل استانداری تهران تجمع کردند و خواستار پرداخت سنوات خود شدند. بنا بر اظهار کارگران، کل مطالبات آنان دویست میلیارد و دو بیست میلیون تومان است.

جالب توجه اینکه از این تاریخ آرام آرام و دوباره حقوق کارگران در حال عقب افتادن است. در این تاریخ حدود دوماه است که حقوق ۶۰۰ کارگر به طور کامل پرداخت نشده است.

تازه‌ترین تجمع کارگران صنایع فلزی در ۱۳ اسفند ۹۱ آغاز شد و در ۱۴ اسفند نیز ادامه داشت که طی آن ۶۰۰ کارگر این کارخانه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دست از کار کشیدند و در محوطه کارخانه تجمع کردند. در پی این تجمع مدیریت کارخانه به آن‌ها گفته است که تا شب عید تنها می‌توانند ۴۰ درصد باقی مانده دستمزد آذرماه را پرداخت کنند. در پی این پاسخ مدیریت کارخانه، کارگران تجمع اعتراضی خود را به محوطه بیرونی در کارخانه کشیدند و با روشن کردن لاستیک در وسط خیابان به اعتراض پرداختند. این اعتراض به حضور نیروهای امنیتی انجامید که در نتیجه آن کارگران به اعتراض خود پایان دادند و در داخل کارخانه مجمع عمومی برگزار کردند و تصمیم گرفتند به طور یکپارچه به ادامه اعتراض خود در برابر نهادهای دولتی ادامه دهند. در وضعیت فعلی حقوق چهارماه و عیدی آن‌ها پرداخت نشده است. همچنین کارگران بازنشسته این کارخانه پنج سال است که سنوات خود را دریافت نکرده‌اند.

روند اعتراض کارگران در صنایع فلزی

تغییر میزان مشارکت در اعتراض‌ها از ۶۰۰ کارگر معترض در فروردین ۹۱ تا اعتراض ۱۸۰ کارگر در دی ماه ۹۱ در کارخانه صنایع فلزی و باز اعتراض ۶۰۰ کارگر در اسفندماه نشان‌دهنده وضعیت همبستگی میان کارگران است.

به نظر می‌رسد تا دی ماه ۹۱ بخشی از کارگران به مطالبات خود دست یافته باشند و به همین خاطر از تعداد مشارکت‌کنندگان در اعتراض‌های موجود کاسته شد، اما باز در اسفندماه کارگرانی که مطالبات خود را دریافت کرده بودند و بنابراین از همراهی با دیگر کارگران امتناع کرده بودند، بار دیگر و به دلیل معوق شدن حقوقشان به این اعتراض‌ها پیوستند. این موضوع نشان می‌دهد که رابطه میان کارگران، رابطه‌ای موزاییکی است. به این شکل که

کارگران به شکل تکه تکه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و هر بخش که به مطالبات خود برسد از مجموعه جدا می‌شود و دلیلی برای مشارکت جمعی نمی‌بیند.

این رفتار گروهی نشان می‌دهد که نه تنها مشارکت اجتماعی میان کارگران کارخانه‌های مختلف کمی دور از انتظار است، بلکه حتی همکاری میان کارگران یک کارخانه در موقعیت‌های متفاوت (بازنشسته و شاغل به کار) هم با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو است.

۲. اعتراض‌های کارگران نی‌پر خوزستان (کارون و هفت تپه)

اعتراض کارگران کشت و صنعت هفت‌تپه و کارون به سال‌ها پیش بازمی‌گردد. این گروه از کارگران در این سال‌ها از پیش‌تازان حرکت‌های اعتراضی بوده‌اند. در سال ۹۱ نیز اعتراض آنها همچنان ادامه داشت.

در دوم بهمن‌ماه کارگران این دو مجتمع اعتصاب خود را در برابر ریاست جمهوری آغاز کردند و هفت روز آن را ادامه دادند. خواسته اصلی آنان حل مشکل بیمه، شرایط بازنشستگی و قرار گرفتن آن‌ها در زمره مشاغل سخت بود.

در روز ۳۰ بهمن‌ماه در جلسه نمایندگان کارگران و کارفرمایان و سازمان تامین اجتماعی مقرر شد که دولت بخش اعظمی از بدهی‌های بیمه‌ای مجتمع کشت و صنعت کارون و هفت تپه را که بیش از ۱۷۰ میلیارد تومان است ببخشد. با این مصوبه سهم هر کارگر برای پرداخت فاصله بیمه‌ای که در گذشته برای هر کارگر ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومان بود، به کمتر از هشت میلیون تومان رسیده است. با این حال به کارگران اعلام کرده‌اند که قادر به پرداخت این مبلغ نیز نیستند و خواستار آن شده‌اند که این مبلغ از سنوات پایان خدمت کارگران کسر شود.

الگوی کار تشکیلاتی

یکی از فعال‌ترین گروه از کارگران در پیگیری برای شکل‌دهی سندیکای کارگری، کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه هستند.

حرکت نمادین جمع‌آوری امضا در طومارها را می‌توان آغاز حرکتی برای همبستگی سراسری کارگران دانست. با این روش، کارگران شهرهای مختلف و فعال در کارگاه‌های کوچک، به سندیکاها و گروه‌های بزرگتر کارگری به مرور با یکدیگر پیوند می‌خورند.

منصور اسانلو، رضا شهبابی و ابراهیم مددی از شناخته شده‌ترین اعضای این سندیکا مشقات فراوانی را در مسیر هموار کردن راه این نهاد متحمل شدند. با اینکه اسانلو از کشور خارج شده و سندیکای شرکت واحد در بیانیه‌ای ابهام برانگیز از برکناری او از ریاست هیئت مدیره سندیکا خبر داده، اما این سندیکا متکی به فرد نبود و بعد از خروج منصور اسانلو از کشور نیز اعتراض‌ها و فعالیت‌های آن ادامه یافته است.

این سندیکا در بیانیه روز کارگر در اردیبهشت سال ۹۱ با اشاره به در دست تغییر بودن قانون کار تاکید می‌کند: «در قانون کار فعلی اگر اصلاحاتی هم نیاز باشد تنها باید در فصل ششم این قانون عمل شود تا موانع سر راه ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری هموار گردد و کارگران بتوانند برای تصمیماتی که به حقوق و معیشت آنان ارتباط دارد دخالت مستقیم داشته باشند. در چنین حالتی قطعاً دستمزدهای ۳۸۹ هزار تومانی که تنها یک چهارم دستمزد واقعی می‌باشد تصویب نخواهد شد.» (منبع)

در اواسط بهمن ماه این سندیکا در بیانیه‌ای به پیش‌نویس قانون کار و تامین اجتماعی اعتراض کرد و خواستار قانون کاری شد که «استانداردهای حقوق بنیادین کار مصوب سازمان جهانی کار نظیر حق تشکیل سندیکا، فدراسیون و کنفدراسیون‌ها و حق تجمع و اعتراض، اعتصاب و راهپیمایی و بهره‌مندی از دستمزدی برای داشتن زندگی شرافتمندانه...» در آن لحاظ شده باشد.

در تاریخ پنجم اسفند طوماری با امضای بیش از دوهزار تن از رانندگان شرکت واحد، توسط نمایندگان سندیکای شرکت واحد در دبیرخانه وزارت کار به ثبت رسید. در متن این طومار کارگران با اشاره به «شرایط وحشتناک گرانی و تورم و شرایط خطرناک کار همچون آلودگی هوا» خواستار آن شدند که علاوه بر تورم واقعی سال ۹۱، تورم سال آینده نیز

در دستمزدهایشان لحاظ شود تا حداقل دستمزد کارگران، «پاسخگوی هزینه‌های کمرشکن زندگی» آنها و دوران بازنشستگی‌شان باشد.

در ۱۴ اسفند حدود صد کارگر شرکت واحد در مقابل محل جلسه شورای عالی کار در وزارت کار تجمع کردند. آن‌ها با ارائه امضاهایی جدید در ادامه طومار دوهزار امضایی خود در آخرین روز تعیین حداقل دستمزد سال ۹۲، خواستار پاسخگو بودن مسئولان و توجه به دغدغه‌های آن‌ها در ارتباط با تعیین حداقل دستمزد در سال جدید شدند. **(منبع)**

الگوی نمادین: طومارهای اعتراضی

در سال ۱۳۹۱، به‌جز اعتراض‌های موردی کارگران، نیروهای کارخانه‌های مختلف که هرکدام به‌طور جدا از یکدیگر وارد این کارزار شدند، برای نخستین‌بار روش نوینی را به کار بستند و آن اقدام توأم با برنامه‌ریزی در زمینه جمع‌آوری امضا از عموم کارگران کارخانه‌های مختلف تحت عنوان طومارهای اعتراضی بود.

سایت «**اتحادیه آزاد کارگران ایران**»، بنیان‌گذار این حرکت بود و هم‌اکنون نیز با اعلام یک صندوق پستی و معرفی سه نفر از فعالان حوزه کارگری برای تماس‌های کارگران این حرکت را ادامه می‌دهد.

دست‌اندرکاران تهیه طومارهای اعتراضی، بر آن هستند تا راهی را برای همبستگی سراسر کارگران ارائه کنند و قدم نخست را برای این همبستگی سراسری بردارند. محتوای این طومارها با اعتراض به قطع سوبسیدها، گرانی‌های سرسام‌آور، دستمزدهای زیر خط فقر و دیگر مصائبی که کارگران با آن‌ها روبه‌رو هستند شروع شد و خواستار افزایش دستمزدها براساس تورم واقعی بود. به دلیل عدم توجه مسئولان حکومت ایران، کارگران در طومار دوم تاکید کردند: «در صورت عدم توجه وزارت تعاون و کار و رفاه اجتماعی به خواست‌ها و به زندگی و معیشت میلیون‌ها کارگر که در زیر چرخ‌های تورم و گرانی‌های سرسام‌آور موجود در حال نابودی است، کارگران نظاره‌گر به تباهی کشیده شدن هستی و بقا خود نخواهند شد و اعتراضات خود را نسبت به ادامه وضعیت حاضر تشدید خواهند کرد.» **(منبع)**

اولین فراخوان طومار اعتراضی کارگران در پی اعلام دستمزدهای سال ۹۱، در ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر اعلام شد و در ۲۷ خرداد ماه این طومار با ده هزار امضای کارگران از کارخانجات سراسر کشور به وزارت کار و مجلس شورای اسلامی و دفتر رسیدگی به شکایت‌های مردمی ریاست جمهوری ارائه شد.

در پی بی‌پاسخ گذاشتن طومار کارگران توسط مسئولان، مرحله دوم جمع‌آوری امضا برای این طومار ادامه یافت و با **۲۰ هزار امضا در اول مهرماه** به مسئولان تحویل داده شد. تهیه و ارائه این طومارها به مسئولان از سوی رسانه‌های داخل و خارج به‌طور وسیع پوشش داده شد، اما از سوی مسئولان مورد اعتنا قرار نگرفت.

در ۲۸ آذرماه تعداد امضاها این طومار به ۳۰ هزار امضا رسید و هماهنگ کنندگان این حرکت در مقابل مجلس دست به تحصن زدند و خواستار دیدار با رئیس مجلس و وزیر کار و نمایندگان شدند تا طومار تهیه شده را به‌طور مستقیم تحویل رئیس مجلس دهند. سرانجام آنان موفق شدند آن را به نایب رئیس مجلس تحویل دهند.

در هشتم بهمن ماه تعدادی از نمایندگان کارگران که طومار یادشده را تهیه کرده‌اند از استانداری تهران خواستار برگزاری **تجمعی اعتراضی در مقابل وزارت کار** در روز ۲۸ بهمن شدند که البته از سوی استانداری رد شد.

هرچه از تهران و کرج دورتر می‌شویم و از کارخانه‌های بزرگ به کارگاه‌ها و کارخانه‌های کوچکتر می‌رسیم، فضای امنیتی به شکلی سنگین‌تر بر فعالیت‌های کارگری سایه انداخته است و اعتراض کارگران را بسیار پرهزینه و دشوار می‌کند.

بعد از گذشت نزدیک به یکسال از ارائه سه طومار از سوی کارگران، در هشتم اسفند ۹۱ **وزارت کار پاسخی را به نمایندگان کارگران** ارائه کرد. در این پاسخ، ابتدا صلاحیت نمایندگی افرادی که برای گفت‌وگو با مسئولان وزارت کار مراجعه کرده بودند زیر سؤال می‌رود و در ادامه اعلام می‌شود که تعیین حداقل دستمزد توسط شورای عالی کار و بر اساس سه جانبه‌گرایی انجام می‌شود که نمایندگان کارگران نیز در آن حضور دارند. در پایان نیز این وزارتخانه از کارگران معترض می‌خواهد مطالبات صنفی خود را با فعالیت در قالب تشکل‌های موجود یا ایجاد تشکل‌های قانونی جدید پیگیری کنند. **(منبع)**

نمایندگان کارگران در **اتحادیه آزاد کارگران ایران** به دلیل فشارهای امنیتی فراوان از مصاحبه با رسانه‌ها دربار این موضوع امتناع کردند، اما جعفر عظیمزاده یکی از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران درباره پاسخ وزارت کار به طومارهای کارگران به سایت اتحاد گفته است: «این پاسخ مطلقاً ما کارگران امضاکننده طومار را قانع نکرده است. ما در جلسه‌ای که در وزارت کار برگزار شد در قبال برخورد آئین‌نامه‌ای آقای جلالی نظری به خواست‌هایمان همانجا اعلام کردیم حرکت ما یک حرکت اعتراضی است و نمایندگان به اصطلاح کارگری حاضر در شورای عالی کار نماینده‌های ما کارگران نیستند. با این حال در پاسخی که وزارت کار به ما داده است این نماینده‌ها را موکلین ما خوانده است و از ماده ۴۱ قانون کار بر سه جانبه‌گرایی آن انگشت گذاشته است. این در حالی است که همگان می‌دانند سه جانبه‌گرایی در شورایی عالی کار مضحکه‌ای بیش نیست چرا که تصمیم‌گیرندگان در این شورا ۱۱ نفر هستند که هشت نفر آنان بر روی هم نماینده‌های دولت و کارفرمایان و سه نفر به اصطلاح نماینده‌های کارگران هستند. ما بزودی پاسخ خود را نسبت به مسائل مطروحه در نامه وزارت کار رو به افکار عمومی اعلام خواهیم کرد و تلاش‌های خود را جهت تحقق خواست‌هایمان همچنان ادامه خواهیم داد.» (منبع)

حرکت نمادین جمع‌آوری امضا در طومارها را می‌توان آغاز حرکتی برای همبستگی سراسری کارگران دانست. با این روش، کارگران شهرهای مختلف و فعال در کارگاه‌های کوچک، به سندیکاها و گروه‌های بزرگتر کارگری به مرور با یکدیگر پیوند می‌خورند و امکان شکل‌گیری اتحادیه‌های سراسری به وجود می‌آید.

الگوی اعتراض‌های بالقوه

از نظر امکان سازماندهی اعتراض‌ها، کارخانه‌ها شرایط یکسانی از نظر فضای امنیتی ندارند. اصولاً هرچه از تهران و کرج دورتر می‌شویم و از کارخانه‌های بزرگ به کارگاه‌ها و کارخانه‌های کوچکتر می‌رسیم، فضای امنیتی به شکلی سنگین‌تر بر فعالیت‌های کارگری سایه انداخته است و اعتراض کارگران را بسیار پرهزینه و دشوار می‌کند.

به‌عنوان نمونه هزار و ۲۰۰ کارگر کارخانه نورد پروفیل ساوه، شش ماه است که حقوق نگرفته‌اند و در آستانه سال نو در شرایط اقتصادی بسیار دشواری به سر می‌برند، اما محدودیت‌های شدیدی برای هرگونه اعتراض کارگری در این کارخانه وجود دارد که تاکنون به کارگران **امکان شکل‌دهی به اعتراض موثر** را نداده است. اساساً در برخی کارخانه‌ها خصوصاً در شهرستان‌ها نیروهای حراست کارخانه‌ها با روش‌های خبرچینی میان کارگران امکان شکل‌گیری هسته‌های اولیه اعتراضی را از میان می‌برند.

مسئله ابعاد کارخانه نیز در مسئله موثر یا ناموثر بودن اعتراض‌های کارگران موثر بوده است؛ کارخانه‌هایی با کارگران اندک‌شمار که در عمل صدایشان شنیده نشده است. به عنوان نمونه ۶۰ کارگر کارخانه لوله‌سازی خوزستان ۳۰ ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند و نتوانسته‌اند اعتراض موثری را سامان دهند. (منبع)

نگاه پایانی

همانگونه که در الگوهای مورد بررسی مشاهده می‌شود، ویژگی‌هایی را می‌توان در فعالیت‌های اعتراضی کارگران مشاهده کرد:

به‌جز کارگران واحدهای بزرگ که خواسته‌هایی وسیع‌تر از افزایش حقوق یا پرداخت حقوق معوقه دارند، اکثر کارگران به دنبال دستیابی به حقوق معوقه و حل مشکلات محدودی چون حق بیمه و بازنشستگی خود هستند.

اول: کارگران تلاش می‌کنند تا از سیاسی شدن اعتراض‌های خود تا حد ممکن پرهیز کنند. در این زمینه، سندیکای شرکت واحد با خروج منصور اسانلو از کشور او را از ریاست سندیکا برکنار و اعلام کرد که این سندیکا نماینده‌ای در خارج از کشور ندارد. این اطلاعیه نشانه‌هایی از فشارهای امنیتی را بازگو می‌کند که می‌تواند فعالیت‌های سندیکای کارگران را با خطر مواجه کند.

دوم: به‌جز کارگران واحدهای بزرگ که خواسته‌هایی وسیع‌تر از افزایش حقوق یا پرداخت حقوق معوقه دارند، اکثر کارگران به دنبال دستیابی به حقوق معوقه و حل مشکلات محدودی چون حق بیمه و بازنشستگی خود هستند.

سوم: همبستگی میان کارگران به میزانی نیست که بتوان گفت کارگران به‌شناختی طبقاتی از موقعیت خود دست یافته‌اند.

چهارم: کارگران تلاش می‌کنند نشان دهند که با گفتن سیاسی – مذهبی حاکم مخالفتی ندارند و تنها در پی احقاق حقوق اولیه خود هستند.

پنجم: به دلیل خصلت اقتصادی خواسته‌های کارگران، از سوی آنها پی‌گیری بیشتر و در مقابل برخورد آرام‌تری از سوی نهادهای امنیتی در پیوند با اعتراض‌ها و تجمع‌های کارگران دیده می‌شود. اگرچه هنگامی که موضوع به بحث تشکل‌یابی کارگران می‌رسد، برخوردهای امنیتی تشدید می‌شود.

اخراج بهنام خدادادی فعال کارگری از فاز ۱۲ پارس جنوبی

اشتراک

شنبه، ۱۰ فروردین، ۱۳۹۲

چکیده:

بهنام خدادادی فعال کارگری و عضو انجمن کارگری برق و ساختمان اصفهان از شرکت توسعه شبکه های صنعتی ایران (IIND) در فاز ۱۲ پروژه توسعه میدان گازی پارس جنوبی، که یکی از بزرگترین مخازن گازی مشترک جهان است، اخراج شد...

بهنام خدادادی فعال کارگری و عضو انجمن کارگری برق و ساختمان اصفهان از شرکت توسعه شبکه های صنعتی ایران (IIND) در فاز ۱۲ پروژه توسعه میدان گازی پارس جنوبی، که یکی از بزرگترین مخازن گازی مشترک جهان است، اخراج شد.

به گزارش تارنمای انجمن کارگری برق و ساختمان اصفهان این اخراج در پی سخنرانی این فعال کارگری در روز عید در سالن اجتماعات کمپ کارگری طاهری در کنگان منطقه پارس جنوبی صورت گرفت.

روز ۱ فروردین ۱۳۹۲ و هنگام تحویل سال نو بهنام خدادادی پس از صحبت در مورد افزایش حقوق و فقدان تشکل های کارگری کارگران را دعوت به اتحاد و تشکل یابی کرد. وی همچنین کارگران خواست تا همگام با کارگران دیگر کشورها اعتراضات خود را دامنه دار تر کنند. در هنگام سخنرانی این فعال کارگری، حراست فاز ۱۲ و کمپ طاهری با هجوم به وی قصد دستگیری اش را داشتند که با اعتراض بیش از حد ۱۵۰۰ کارگر مواجه شدند و در نهایت نیروهای حراست به عقب رانده شدند. اما بعد از ۷ روز این فعال کارگری از شرکت توسعه شبکه های صنعتی ایران (IIND) در فاز ۱۲ اخراج شد.

به گزارش کلمه اخراج بهنام خدادادی دومین مورد اخراج فعالان کارگری شرکت توسعه شبکه های صنعتی ایران در عرض یک ماه و اندی گذشته بوده است. پیش از این نیز فردای روز اعتصاب کارگران این شرکت که روز دوشنبه ۴ اسفند ۹۱ در اعتراض به پایین بودن دستمزدها و پایین بودن امکانات کمپ کارگری صورت گرفت، نجیم محمدزاده فعال کارگری و عضو انجمن کارگری برق و ساختمان اصفهان توسط کارفرما اخراج شده بود.

ایبنا خبرگزاری کار ایران

1392-01-10, 13:22

کد خبر: 58787

سرویس: کارگری «واحدها

مطلب

در آستانه فرارسیدن تابستانی دیگر:

مزد ناجیان غریق مازندرانی هنوز پرداخت نشده است

تابستان دیگری در راه است. اما نیروهای نجات غریق مستقر در سواحل استان مازندران هنوز دستمزد تابستان سال گذشته خود را دریافت نکرده اند.

تابستان دیگری در راه است. اما نیروهای نجات غریق مستقر در سواحل استان مازندران هنوز دستمزد تابستان سال گذشته خود را دریافت نکرده اند.

رئیس هیات نجات غریق استان مازندران با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: از معاون امور مجلس سازمان گردشگری خواسته ایم تا پیگیر این موضوع باشد.

وی گفت: ناجیان غریق مستقر در طرح های سالمسازی دریا، هر سال تابستان به میلیون ها گردشگری که به مازندران سفر می کنند خدمت ارائه می دهند اما پرداخت حقوق ناچیز آنها از محل اعتبارات استانی هنوز صورت نگرفته است.

این مقام مسئول گفت: در حال حاضر ناجیان غریق و خانواده آنها برای دریافت مطالباتشان با این هیات استانی تماس می گیرند.

پایان پیام

<http://www.ilna.ir>

سندیکای س ژ ت فرانسه در حمایت از کارگران ایران

سه شنبه ۶ فروردین ۱۳۹۲ - ۲۶ مارس ۲۰۱۳

بیژن برهمندی

رادیو بین المللی فرانسه:

پنجاهمین کنگره سندیکای س ژ ت فرانسه، هفته پیش در شهر تولوز برگزار شد و پس از بحث درباره اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور فرانسه، با انتخاب یک دبیرکل جدید و انتشار قطعنامه ای به کار خود پایان داد. در این کنگره بزرگ سندیکائی که بیش از هزار نفر از نمایندگان این سندیکا از سراسر کشور شرکت کرده بودند، تعدادی از فعالین سندیکائی از کشورهای دیگر جهان هم دعوت شده بودند تا میهمان این کنگره باشند. فعالین سندیکائی کشورهای خارجی که بعنوان ناظر در این کنگره شرکت داشتند عبارت بودند از نمایندگان از فعالان کارگری کشورهای تونس، برزیل، سنگال، ژاپن، رومانی، و رونیون. امسال سندیکای س ژ ت تصمیم گرفته بود که نمایندگان از فعالان کارگری چهار کشور را هم بقصد اعلام همبستگی بین المللی با آنان، به کنگره دعوت کند. از این رهگذر نمایندگان از کشورهای ساحل عاج، بیرمانی، فلسطین و ایران به کنگره دعوت شده بودند و شرکت کنندگان با آنان اعلام همبستگی کردند. قطعنامه ویژه ای نیز در حمایت از مطالبات کارگران فلسطین در این کنگره به تصویب رسید. از ایران محمود صالحی فعال سرشناس کارگری به این کنگره دعوت شده بود و او با حضور در این همایش مورد استقبال فعالان سندیکائی س ژ ت قرار گرفت. این کنگره همبستگی کارگران سندیکای س ژ ت را با کارگران ایران اعلام و از مطالبات آنها حمایت کرد. در گفتگوی تلفنی که با محمود صالحی در ایران داشتیم، وی که بتازگی از فرانسه به کشور بازگشته است، سخنانش را با ادای احترام به خانواده های کارگران زندانی در کشور آغاز کرد که در این ایام نوروز در زندان بسر می برند. محمود صالحی ضمن توضیح نکات برجسته ای که در سخنرانی اش در اجلاس سندیکائی س ژ ت مطرح کرده بود درباره وضعیت کارگران ایران گفت که در ایران داشتن تشکل ممنوع است، جرم است. و کسانی که به این کار اقدام

کنند مجرم محسوب می شوند.

صالحی توضیح داد در همان لحضاتی که در کنگره تولوز بوده است ده ها نفر از کارگران ایرانی بجرم تشکیل تشکل و دفاع از مطالبات کارگران در زندان ها بسر می بردند.

محمود صالحی در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت کارگران ایران، می گوید وضعیت آنها با توجه به دستمزدشان "همیشه در حال بدی هست." صالحی اضافه می کند بحران اقتصادی در اروپا و آمریکا کشور ما را هم شامل می شود، چونکه ما هم جزو جامعه جهانی هستیم. او تاکید می کند که در ایران تعطیلات برای کارگران هیچ مفهومی ندارد.

اخبار و گزارشات کارگری ۳۰ اسفندماه ۱۳۹۱

ادامه تجمع خانواده‌های فعالین کارگری بازداشتی در سنندج

۳۰ اسفند بار دیگر خانواده‌های فعالان کارگری بازداشتی در سنندج برای پیگیری وضعیت عزیزانشان در مقابل ستاد خبری اداره اطلاعات در این شهر تجمع کردند. این تجمع در حالی بود که خانواده‌ها طبق قرار قبلی اعلام کرده بودند که اگر عزیزانشان را آزاد نکنند سفره هفت سین خود را در مقابل ستاد خبری پهن خواهند کرد و سال تحویل در آنجا خواهند بود؛ اما نیروهای امنیتی حاضر در محل با حمله به تجمع خانواده‌ها از برگزاری مراسم سال تحویل ممانعت به عمل آورده و سفره هفت سین آنان را جمع کردند.

پیام نوروزی

پیام اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت فرا رسیدن سال نو

کارگران و مردم ایران

سالی دیگر در حال بر آمدن از پس تلاش‌ها و آرزوها و امیدهای ما مردم ایران است. سال گذشته ما کارگران ایران روزهای بسیار سختی را سپری کردیم و برای ماندن و زیستن لحظه‌ای از حرکت باز نایستادیم و قدم به قدم برای دست یابی به حقوق انسانیمان مبارزه کردیم. اینک سالی دیگر و بهاری دیگر پیش روی ماست، اما سال پیش رو برای ما مردم ایران سالی سخت‌تر و به همان درجه تعیین کننده‌تر از همیشه خواهد بود بطوریکه به جرات می‌توان گفت وضعیت حاضر چنان وضعیتی نیست که طبقه کارگر و عموم توده‌های زحمتکش مردم ایران برای دوره‌ای دیگر و سالی دیگر قادر به ماندگاری و ادامه حیات بر روی پایه‌های آن باشند. شرایط تحمیل شده بر ما کارگران در تحمل ناپذیرترین وضعیت قرار دارد و به یقین چنانچه به فوریت گشایش و بهبودی در شرایط معیشتی توده‌های میلیونی طبقه کارگر ایران صورت نگیرد سال پیش رو سال اعتراضات گسترده کارگری خواهد بود.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با درک عمیق و احساس مسئولیت بسیار بالایی در قبال وضعیت حاضر، همراه با عموم کارگران و مردم ایران به استقبال سال نو می‌رود و با تبریک فرا رسیدن عید نوروز به آنان، آغاز بهاری تازه را در کنار خانواده‌های کارگران جان باخته، خانواده‌های کارگران دربند و خانواده‌های تمامی زندانیان آزادیخواه گرامی می‌دارد و به همه عزیزانی که بدلیل دفاع از حقوق انسانی خود و کارگران و مردم ایران در کنج زندان‌ها هستند درود می‌فرستد، دست آن‌ها را می‌فشارد و سبدها سبد شکوفه بهاری نثار این عزیزان می‌کند. ما حیات و سرسبزی و طراوت را برای پایان دادن به وضعیت مشقت بار کنونی سرلوحه آغازی پر شکوه در سال جدید قرار خواهیم داد و همدوش با کارگران در سراسر کشور لحظه‌ای از حرکت برای دست یابی به مطالبات انسانیمان باز نخواهیم ایستاد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۳۰ اسفند ماه ۱۳۹۱

جان محمد جراحی در خطر است

محمد جراحی فعال کارگری و عضو کمیته پی گیری که در خرداد ماه سال پیش به همراه شاهرخ زمانی دستگیر و به ۵ سال حبس محکوم گردید و اکنون دومین سال محکومیت خود را می‌گذراند، یک ماه پیش به دلیل ابتلا به بیماری تیروئید به منظور نمونه برداری، در بیمارستان امام رضای تبریز مورد عمل جراحی قرار گرفت. نتیجه این نمونه برداری ابتلای وی به سرطان تیروئید بود طبق نظر پزشکان می‌بایست مراحل درمانی وی هرچه سریع تر آغاز شود. این در حالی است که تقاضای مرخصی محمد جراحی که از طرف خانواده‌اش به مراجع قضایی تحویل داده شده تا این تاریخ پاسخی دریافت نکرده است و خانواده محمد جراحی در راهروهای اداره زندان‌ها و دادگاه سرگردان و منتظر هستند در حالیکه طبق قانون می‌بایست زندانیانی که به بیماری‌های حاد مبتلا هستند جهت مداوا آزاد شوند در شرایطی که بسیاری از زندانیان به دلیل فرار سیدن سال نوبه مرخصی عید می‌روند، وضعیت محمد جراحی همچنان نامعلوم است.

همچنین نامه زندانیان سیاسی زندان تبریز برای مرخصی نوروزی سال ۹۲ حتی مورد بررسی نیز قرار نگرفته و به همین دلیل جمعی از زندانیان سیاسی زندان تبریز از خانواده‌های خود خواسته‌اند که با برپا کردن سفره‌های هفت سین پای دیوارهای زندان، سال تحویل را کتان

عزیزان خود بگذرانند.

مسئولیت جان محمد جراحی که تنها به جرم دفاع از حقوق کارگران پشت میله‌های زندان به سر می‌برد مستقیماً به عهده مقامات قضایی و مسئولین زندان است. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری خواهان آزادی هر چه سریع‌تر محمدرجایی و سایر فعالین کارگری و زندانیان سیاسی در بند می‌باشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ۲۸/۱۲/۹۱

آتش سوزی در کارخانه پتو آذرشهر و مصدومیت ۳ کارگر

به گزارش ۳۰ اسفندایسنا، مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی استان آذربایجان شرقی در تشریح تلفات آتش سوزی در کارخانه پتو در آذرشهر گفت: این حادثه در ساعت ۱۱:۳۰ دیروزبه وقوع پیوست و طی آن ۳ کارگر این کارخانه، دچار سوختگی درجه شدند.

حسینقلی زاده گفت: با اعزام آمبولانس‌های پایگاه ۱ و ۲ آذرشهر، مصدومان به بیمارستان آذرشهر و بعد بمنظور انجام اقدامات تخصصی به بیمارستان سینای تبریز منتقل شدند.

تبریک سال نو

بخوان به نام گل سرخ در صحاری شب
که باغ‌ها همه بیدار و بارور گردند

امسال بهار را در شرایطی آغاز می‌کنیم که فشارهای اجتماعی و اقتصادی بر کارگران و زحمتکشان هم چنان تداوم دارد، گرانی‌های سرسام آور و افزایش ناچیز دستمزدها برای سال آینده هم چنان حاکی از سخت‌تر شدن زندگی برای اکثریت قاطع مزد و حقوق بگیران و کسانی است که مجبورند نیروی کار خود را بفروشند تا زندگانی را بگذرانند. تحریم‌های بین‌المللی که لبه تیز آن متوجه مردم تحت ستم است گذران زندگی را هر روز سخت‌تر کرده و بر نگرانی‌ها می‌افزاید. از یک سو گسترش خصوصی سازی و از سوی دیگر موج بیکارسازی گریبان جامعه را گرفته است، در عین حال فعالان کارگری و اجتماعی برای کوچکترین اعتراضی نسبت به این همه ستم، هم چنان تحت فشارهای زندان و تعقیب قرار دارند.

اما مگر قرار است زمستان دائمی باشد و شب بی‌پایان. سرسختی زمستان در برابر ضرورت روییدن جوانه‌ها سر فرود می‌آورد و نسیم صبح هر بامداد نوید می‌دهد که شب زندگی را پایانی است که آن هم از درون تلاش و کوشش ما برمی‌خیزد. از همین رو بهار را با امید سالی بهتر و پربرتر آغاز می‌کنیم و نوید روزهای پربرتری را به جوانه‌های نو رسیده این باغ خزان زده می‌دهیم زیرا که عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد.

کانون مدافعان حقوق کارگر

نوروز ۱۳۹۲

در آستانه فرا رسیدن سال ۱۳۹۲

آخرین روزهای زمستان در حالی به پایان می‌رسد که طبیعت پیشاپیش مژده بهار را به ارمغان آورده و «نسیم روز میلاد افاقی‌ها را جشن می‌گیرد و بهار روی هر شاخه، کنار هر برگ، شمع روشن کرده است.» با آمدن بهار، زمین بار دیگر نفس می‌کشد، شکوفه‌ها می‌روید و پرنده گان، بامدادان طراوت خواهند داد. بهار بار دیگر این درس بزرگ را با خود دارد که آری دوباره باید ساخت.

سال ۱۳۹۱ در شرایطی به پایان می‌رسد که اکثریت مزد بگیران جامعه با مشقات و مصائب بی‌شماری روبرو بودند. از یک سو افزایش سرسام آور قیمت کالاها و از سوی دیگر دستمزدهای ثابت و زیر خط فقر در این سال، کارگران و زحمت کشان را با مشکلات فراوانی روبرو کرد. تعطیلی مراکز کار و بیکار سازی گسترده، به تعویق افتادن دستمزد کارگران به امری عادی در مناسبات حاکم تبدیل شده است. مرگ روزانه ۵ نفر کارگر بر اثر حوادث محیط کار را نیز باید یکی دیگر از فجایع سرمایه داری ایران در سال ۹۱ دانست. تداوم این وضعیت موجب ایجاد نگرانی، اضطراب، تنش‌های روانی و نابسامانی‌های بی‌شمار دیگر در میان خانواده‌های کارگری شده و عوارض جبران ناپذیری را به وجود آورده است. هم چنین در این سال ما شاهد ادامه بازداشت و زندانی کردن کارگران، زنان، روزنامه نگاران، دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها به خاطر بیان باورها و اعتقاداتشان بودیم.

اما علی‌رغم همه این فشارها و سرکوب پلیسی، اعتراض و مبارزه با این شرایط سخت و طاقت فرسا، در سال ۹۱ هم چنان ادامه یافت. در این میان جنبش کارگری با اعتراض‌ها و تجمع‌های هر روزه خود، از جنوب تا شمال و از غرب تا شرق ایران، مطالبات و خواسته‌های خود را طرح کردند. این در حالی بود که کارگران ایران از ایجاد تشکل‌های خود ساخته و مستقل محروم هستند و حاکمان سرمایه تحمل هیچ سازمان و نهاد کارگری مستقلی را ندارند.

در آستانه سال ۱۳۹۲، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری همه کارگران و فعالین کارگری را به اتحاد و همبستگی و مبارزه برای ایجاد تشکل‌های خود ساخته، فرا می‌خواند. ایجاد تشکل کارگری در محیط کار، همان حلقه مفقوده‌ای است که می‌تواند مبارزه طبقه کارگر ایران را در برابر تهاجم سرمایه داران به معیشت و زندگی آن‌ها، منسجم و سراسری کند.

ما اعضای کمیته هماهنگی با تمام خانواده‌هایی که در این سال، عزیزانشان را در محیط کار از دست داده‌اند، اعلام همدردی می‌کنیم. هم چنین دست همه کارگران، فعالین کارگری و دیگر زندانیان سیاسی را به گرمی می‌فشاریم که برای دفاع از حقوق هم طبقه‌ای‌های خود، پشت می‌له‌های زندان قرار داده شده‌اند و به خانواده‌های آن‌ها درود می‌فرستیم. به امید روزی که قفل به افسانه‌ای تبدیل شود.

پیشاپیش فرا رسیدن نوروز و آغاز سال ۱۳۹۲ را تبریک می‌گوییم.
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری - ۱۳۹۱/۱۲/۲۶

منصور اسانلو: سخن سال نو

برای من، به عنوان فعالی که سال‌ها در راه احقاق حقوق همکاران خود در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و سندیکای کارگران شرکت واحد تلاش کرده‌ام، موجب اندوه است که نوروز امسال را دور از وطنم و همکاران و همراهانم در این تلاش و خویشتان و عزیزانم در ایران می‌گذرانم.

چنان که پیش از این شرح داده‌ام شرایط بسیار دشوار ادامه فعالیت در ایران و دورنمای اقدامات غیر قانونی مقام‌های امنیتی که، عملاً امکان ادامه زندگی در ایران را از من سلب می‌کرد، سبب شد تا ایران را ترک کنم و تلاش‌های خود را در شرایطی تازه ادامه دهم.

اکنون لازم می‌دانم با بهره‌گیری از این فرصت برای تبریک فرارسیدن سال نو و بهار به همه دوستان و عزیزانی که یار و یاور من بوده‌اند و به ویژه به کارگران عزیز بار دیگر اعلام کنم که به عنوان زبانی برای بازگویی وضعیتی که بر کارگران ایران می‌گذرد، همچنان به تلاش خود ادامه خواهم داد.

متأسفانه چند هفته پیش، هنگامی که برای شرح خروج خود از ایران با یکی از رسانه‌ها یعنی تلویزیون رها گفت‌وگو کردم، توضیحات این رسانه پس از گفت‌وگوی من این تصور را ایجاد کرد که من برای ادامه فعالیت به یک گروه یا تشکیلات خاص پیوسته‌ام. از این رو ضروری می‌دانم یادآور شوم، مطالبی که پیرامون پیوستن اینجانب به تشکیلات وابسته به این تلویزیون و صاحب امتیاز آن به عنوان یک سازمان سیاسی منتشر شد، از نظر شخص من نتیجه سوء تفاهم در طی گفت‌وگوهای مربوط به مصاحبه بوده است. همچنین تاکید می‌کنم که من هیچ گونه وابستگی و پیوستگی به هیچ حزب و تشکیلات سیاسی و رسانه‌ای ندارم.

امیدوارم سال پیش رو سالی باشد برای سخن گفتن بیشتر پیرامون آینده جنبش کارگران و زحمتکشان ایران و نقش و تاثیر گذاری سندیکاها و دیگر تشکل‌های کارگری آزاد، مستقل و دموکراتیک از جمله تشکیل فدراسیون‌های دموکراتیک سراسری کارگران و سهمی که در تقویت جنبش آزادی و عدالت خواهی مردم ایران دارد.

منصور اسانلو
۲۹/۱۲/۱۳۹۱

بهار آمد نبود اما حیاتی!

فرا رسیدن بهار می‌تواند آغازی نو در مسیر ساختن یک زندگی بهتر باشد؛ آغازی برای ترک زشتی‌ها و عادات بد و شروعی تازه برای یک زندگی انسانی همراه با آسایش و رفاه برای تمام جامعه و نه تنها برای درصد کمی از آن. پس به استقبال نوروز می‌رویم، برای با هم بودن، بهتر بودن و بهتر زیستن.

هموطنان عزیز! نوروز در حالی فرا می‌رسد که سال گذشته سالی پرفراز و نشیب برای اکثریت زحمتکش جامعه بود؛ مردم در شرایط سخت اقتصادی و معیشتی، تورم افسارگسیخته، ناداری و بیکاری سال را به آخر رساندند! از صمیم قلب امیدوارم در سال جدید با اتحاد و همبستگی طبقاتی بتوانیم گامی در مسیر زدودن تاریکی‌ها و ناعادلتی‌ها برداریم و زندگی بهتری برای فرزندانمان - که آینده متعلق به آنهاست - بسازیم.

سال نو و عید نوروز را به عموم کارگران، زنان و مردان آزادیخواه و عدالت طلب ایران، افغانستان و دیگر کشورهای منطقه که نوروز را جشن می‌گیرند و هم طبقه‌ای‌هایمان در سراسر جهان و همچنین به همکاران عزیزم در سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه و نیز معلمان، پرستاران، دانشجویان، زنان و مادران داغ دیده، شخصیت‌های مردمی و کلیه کارگران زندانی، زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان شادباش می‌گویم و آرزو می‌کنم که سال جدید عالیترین و شایسته‌ترین دستاوردها را برای همه این عزیزان به همراه داشته باشد.

نوروز ۱۳۹۲

رضا شهبابی

عضو هیات مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سه کارگر حریر خوزستان در آتش سوزی مصدوم شدند

به گزارش ۲۷ اسفند ایرنا، سه نفر از کارگران شرکت حریر خوزستان در حادثه آتش سوزی دچار گاز گرفتگی شده و به بیمارستان منتقل شدند.

در این حادثه آتش سوزی که ساعت ۱۵ روز یکشنبه در انبار تولید این شرکت رخ داده، مقادیر زیادی مواد اولیه و حریر کاغذ آتش گرفت.

نیروهای اورژانس و امدادی حاضر در محل حادثه مصدومان این آتش سوزی را که بر استنشاق دود غلیظ دچار خفگی و تنگی نفس شده بودند به بیمارستان نظام مافی شوش منتقل کردند.

کارگران این شرکت علت آتش سوزی را اتصال سیم برق عنوان کردند.

رضا تهرانی مدیر کارخانه شرکت حریر خوزستان هر گونه اظهار نظر در خصوص این حادثه و میزان خسارت وارده را به بعد از بررسی کارشناسی موقوف کرد.

شرکت حریر خوزستان در آتش سوزی مرداد ماه سال ۱۳۸۹ نیز دچار خسارات مالی سنگینی شد.

شرکت حریر خوزستان در هفت تپه یکی از بزرگترین تولیدکنندگان کاغذ بهداشتی در ایران در ۲۵ کیلومتری شهر شوش در شمال خوزستان واقع است.

بیست و هشتم اسفندماه ۱۳۹۱

بازداشت غالب حسینی عضو کمیته هماهنگی

۲۹ اسفند ساعت ۱۲ ظهر سید غالب حسینی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در شهر سنندج، توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در محل کارش دستگیر شد.

نام برده در آستانه ۸ مارس و همچنین بعد از دستگیری ۶ فعال کارگری در ۱۷ اسفند چندین بار تلفنی توسط نیروهای امنیتی تهدید شده بود و نیروهای اطلاعات از وی خواسته بودند که خود را به ستاد خبری معرفی کند. همچنین در پی عدم پاسخگویی نیروهای اطلاعاتی به خانواده‌های فعالین کارگری بازداشتی، خانواده‌ها اعلام کرده‌اند که سفره هفت سین خود را در مقابل ستاد خبری شهر سنندج برپا خواهند کرد و بدینگونه در زمان تحویل سال در کنار عزیزانشان خواهند بود.

کمیته هماهنگی ضمن محکوم کردن دستگیری سید غالب حسینی، خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط نام برده و بهزاد فرج الهی، وفا قادری، سید خالد حسینی، حامد محمودنژاد و علی آزادی اعضای کمیته هماهنگی در شهر سنندج و شریف ساعد پناه فعال کارگری و عضو اتحادیه آزاد کارگران و سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی در بند می‌باشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ۲۹- اسفند ۱۳۹۱

9 روز تجمع خانواده‌های فعالان کارگری بازداشتی

روز دوشنبه ۲۸/۱۲/۹۱ جمع کثیری از خانواده‌های بازداشت شدگان ۱۷ اسفند در دوازدهمین روز از بلاتکلیفی عزیزانشان از ساعات 9/30 در مقابل اداره اطلاعات سنندج تجمع کردند. طبق روال روزهای گذشته نیروهای امنیتی در همان ساعات اولیه در محل تجمع حاضر شدند. در میان حاضرین یک نفر که از طرف جمع به عنوان نماینده انتخاب شده بود و روز قبل به او وعده ملاقات با استاندار داده بودند به استانداری مراجعه کرد اما متأسفانه از طرف معاون استاندار با پاسخی همچون «استاندار اینجا نیست و این پرونده باید مراحل قانونی خود را طی کند» روبرو شد. این تجمع تا ساعت ۱ ظهر ادامه پیدا کرد سپس معترضین محل را ترک کردند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ۲۸- اسفند ۱۳۹۱

یاری مان دهید

کارگران، مردم آزادیخواه و برابری طلب، تشکل‌های کارگری در ایران و سراسر جهان! همانگونه که مطلع هستید ۵ تن از فعالین کارگری عضو کمیتهٔ هماهنگی در آستانه روز جهانی زن (۸ مارس) در روز ۱۷ اسفند در خانه‌ها و محل کارشان با هجوم نیروهای لباس شخصی دستگیر و تاکنون در اداره اطلاعات در بازداشت به سر می‌برند؛ ۲ روز بعد با هجومی دیگر شریف ساعد پناه فعال کارگری و عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز دستگیر شد. هم اکنون نزدیک به دو هفته از بازداشت همسران و فرزندان ما می‌گذرد.

آنان به چه جرمی مورد غضب حافظان سرمایه قرار گرفته‌اند؟ عزیزان ما به نابرابری‌های اجتماعی معترضند. از حقوق کارگران دفاع می‌کنند، به دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر معترضند. آن‌ها خواهان یک زندگی انسانی برای تولیدکنندگان تمام ثروت‌های بشری هستند. آن‌ها می‌گویند همه امکانات جامعه حاصل کار و رنج ما کارگران است ولی چرا ما همیشه در سختی به سر می‌بریم. آن‌ها خواهان امنیت شغلی برای کارگران هستند. خواهان بیمه بی‌کاری برای کارگران آماده به کارند. خواهان بیمه زنان خانه دار هستند و خواهان تعیین دستمزد به تناسب نرخ تورم هستند. در حالی که تورم به روز شده است چرا باید حقوق کارگران ثابت و چند برابر زیر خط فقر باشد. آیا دفاع از خواست و مطالبات بر حق کارگران جرم است. عزیزان ما به غیر از دفاع از خواست و مطالبات برحق کارگران هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند. اکنون بار دیگر ما خانواده‌های ۶ فعال کارگری بازداشتی علی آزادی، حامد محمودنژاد، شریف ساعد پناه، سید خالد حسینی، وفا قادری و بهزاد فرج الهی از کارگران و مردم زحمتکش و تشکلهای کارگری و نهادهای مردمی و به خصوص مردم شهر سنندج در خواست می‌کنیم به هر صورت که در توان دارند و به هر شیوی ممکن ما را در جهت آزادی عزیزانمان یاری کنند.

خانواده‌های ۶ فعال کارگری بازداشتی در سنندج- ۲۹ اسفند ۱۳۹۱

<http://www.ilna.ir>